

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شب مردان خدا

روز جهان افروز است

سید محمد ضیاء آبادی

ضیاء آبادی - محمّد ۱۳۰۹ -

شب مردان خدا/محمّد ضیاء آبادی.

تهران: مؤسسه بنیاد خیریه الزّهراء (ع) ۱۳۸۷.

۱۱۲ ص.

978-600-5289-20-6

۳۹۰۰ ریال.

این کتاب در سال‌های مختلف توسط ناشران مختلف منتشر شده است.

کتابنامه به صورت زیرنویس

نماز شب.

۲۹۷/۲۵۳

BP۱۸۷/۷/ش۹ ض۹

۱۳۹۰۵ - ۸۵ م

کتابخانه ملی ایران



شب مردان خدا

مؤلف: سیّد محمّد ضیاء آبادی

ناشر: انتشارات بنیاد خیریه الزّهراء (ع)

چاپ سوّم: تابستان ۹۱

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

شابک: ۶ - ۲۰ - ۵۲۸۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۶۰۰ تومان

لینتوگرافی: موعود

چاپخانه: گیتی

نشانی: تهران - کارگر جنوبی - چهارراه لشکر - خیابان شهید

معیری - کوچه ارجمند - پلاک ۴

تلفن: ۵۵۳۸۰۵۳۴

چاپ و تکثیر این کتاب با حفظ محتوا، رعایت کیفیت و ملاحظه‌ی موارد ذیل برای دلسوختگان و علاقه‌مندان به گسترش معارف دینی با کسب مجوز کتبی از دفتر امور فرهنگی بنیاد خیریه الزّهراء (ع) بلامانع است.

(۱) در هر نوبت چاپ تعداد ۱۰ نسخه به نشانی انتشارات بنیاد خیریه الزّهراء (ع) ارسال شود.

(۲) هرگونه تغییر در محتوا و کیفیت ظاهری با اجازه‌ی دفتر امور فرهنگی می‌باشد.

(۳) مطالب فوق در هر نوبت چاپ درج شود.

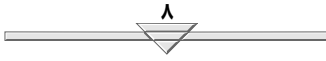
(۴) قیمت متناسب با پشت جلد لحاظ گردد.

فهرست

صفحه	عنوان
۹.....	مقدمه مؤلف.....
۱۷.....	مقدمه ناشر.....
۱۹.....	در دل شب برخیز.....
۲۰.....	رمز تهی دستی انسان در روز جزا.....
۲۱.....	مبغوض ترین مردم نزد خدا.....
۲۱.....	برخیز ای انسان به خواب مانده‌ی مغرور.....
۲۲.....	هشدار که خروس از تو هشیارتر نباشد.....
۲۴.....	دروغ می‌گوید آن کسی که... ..
۲۵.....	بهترین وقت تقرب انسان به خدا.....
۲۷.....	ظلمت شب برای بیداردلان نورآفرین است.....
۳۲.....	حوران بهشتی در انتظار شب خیزان.....
۳۳.....	ای عزیز، هم اکنون بیا خیز.....
۳۴.....	توصیه‌ی مکرر امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small>
۳۵.....	گریه‌ی حضرت علی <small>علیه السلام</small> در بازار بصره.....
۳۶.....	قرآن عظیم، کلامی بس سنگین و گران است.....
۳۸.....	آمادگی برای تحمل بار سنگین قرآن و شب زنده‌داری.....

- ۳۹..... نیل به مقام محمود در گرو شب خیزی و تهجد است
- ۴۲..... نماز شب و طمأنینه نفس و حال یقین
- ۴۳..... نماز شب در بیماری یا سفر یا میدان نبرد
- ۴۵..... ثواب نافله‌ی شب را جز خدا کسی نمی‌داند
- ۴۶..... آیا بس نیست همین یک آیه از قرآن؟
- ۴۷..... اثر یک جمله‌ی جاندار
- ۴۸..... بهانه‌جویی‌ها از ضعف ایمان است
- ۵۲..... نشان بهشتیان از دیدگاه قرآن
- ۵۳..... زنه‌ار که از استغفار سحرگاهی محروم نمائی
- ۵۴..... پس کی بار سفر می‌بندید؟
- ۵۶..... بانگ بیدار باش علی علیه السلام
- ۵۷..... حال امام علی علیه السلام در دل شب
- ۶۱..... امام صادق علیه السلام به هنگام شب
- ۶۲..... موعظه‌ای جالب
- ۶۳..... پرکردن خزانه‌های شبانه‌روز
- ۶۵..... نماز شب، وسیله‌ی نجات از وحشت قبر
- ۶۶..... آنچه نافع به حالم شد، رکعات وقت سحر بود
- ۶۷..... زمستان، بهار مؤمن است
- ۶۷..... اگر به ندای ملک موکل شب بیدار نشود
- ۶۹..... دانایان مغزدار از نظر قرآن
- ۷۳..... حیوان صفتان کجا و انسان آگاه از مبدأ و منتهای جهان کجا؟
- ۷۵..... یکی از ویژگی‌های «عبادالرحمان» برپا داشتن نماز شب است

- شب زنده‌داران در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۶
- توصیه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام در مداومت در نماز شب ۷۸
- نشاط روحی انسان در نماز شب ۷۹
- کیفیت نماز شب به صورت آسان و مختصر ۷۹
- راهزنی شیطان خبیث! ۸۱
- سنت خداوند کریم: اعطای کثیر به قلیل ۸۴
- تمثیل یکی از علما در این باب ۸۶
- تعجیل در نافله‌ی شب نیز جایز است ۸۷
- قضای نماز شب، از تعجیل در آن بهتر است ۸۸
- روایاتی در باب تشویق و ترغیب به نماز شب ۸۹
- رعایت آدابی چند در قنوت نماز وتر ۹۳
- تمجید خدا و صلوات نیز از آداب دعا است ۹۵
- استشفاع و توسل به اهل بیت علیهم السلام از اهمّ شرایط حرکت به سوی خداست ۹۷
- اهمیت نافله‌ی صبح ۹۹
- اینک، هشدار و توجه! ۱۰۱
- ارتکاب گناه از موانع شب‌خیزی است ۱۰۲
- پرخوری نیز از موانع شب‌خیزی است و موجب مطرودیت از درگاه خدا ۱۰۴
- نال‌های پرسوز و گداز امام سجّاد علیه السلام در دل شب ۱۰۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه‌ی مؤلف

لذت عبادت

عبادت و راز و نیاز با معبود، آن هم در دل شب، برای «اهل دل» لذتی است فوق لذت‌ها که شیرینی خاص و وصف ناشدنی و قیاس‌ناپذیر دارد. آنان که توفیق رسیدن به کناره‌ای از این دریای بیکران نصیبشان گشته و قطره‌ای از آن اقیانوس ژرف و بی‌پایان به ذائقه‌ی جانشان رسیده است، تمام دنیا و آنچه در آن است، در نظرشان پست‌تر از خاکی می‌نماید که زیر پای می‌مالند و بر آن می‌گذرند، چنان که امامشان، صادق آل محمد علیهم‌السلام می‌فرماید:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَىٰ مَا مُتَّعَ بِهِ الْأَعْدَاءُ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ نَعِيمِهَا وَ كَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْوُونَهِ بِأَرْجُلِهِمْ وَ لَنَعْمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَلَذُّوا بِهَا تَلَذُّدًا مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ

الْجِنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ أَنْتَسُ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ وَ صَاحِبٍ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ وَ
نُورٍ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ وَ قُوَّةٍ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ وَ شِفَاءٍ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ.^۱

اگر مردم بدانند آنچه را که در معرفه الله^۲ و شناخت خداوند متعال هست از تعالی روح و کرامت نفس و تقرّب به نور عزّ و جلال بی پایان، هر گز به برخورداری دشمنان از زندگی [پر زرق و برق] دنیا و نعمت‌های [جالب و دلربای] آن، که هم چون شکوفه [و گل‌های بهاری] می‌درخشد، چشم نمی‌دوزند و نیز دنیای آنان در نزد اینان کم‌ارج تر می‌شود از آن چه زیر پای خود می‌مالند [و بر آن می‌گذرند]. پس از معرفت خدا منتنعم می‌شوند و از آن لذّت می‌برند؛ همانند لذّت آن کس که همیشه در باغستان‌های بهشت با دوستان خدا بوده است. حقیقت آن است که شناسایی خدا [مایه‌ی] انس در هر وحشت، یار غمگسار در هر [بی‌کسی و] تنهایی، نور در هر ظلمت، قوّت و نیرو در هر ضعف و داروی هر درد است.

همچنین، امام زین العابدین علیه السلام در یکی از مناجات‌های منسوب به حضرتش، به ساحت اقدس حضرت معبود عرضه می‌دارد:

إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَعِي عَنْكَ حَوْلًا.^۳

معبود من، کیست که شیرینی محبتت را چشیده باشد و آن گاه از توروی گرداند و

۱- وافی، طبع اسلامیّه، جلد ۱، صفحات ۴۲ و ۴۳.

۲- عبادت در صورتی ارزنده است که از معرفت جوشیده باشد و موجب فراوانی آن گردد. حدیث، اگر چه در باب معرفت است، ولی با توجه به این واقعیت، با بحث عبادت تناسب کامل دارد.

۳- مناجاة المحبین، از مناجات خمس عشرة، مفاتیح الجنان، صفحه‌ی ۱۲۴.

دیگری را به جای تو محبوب خود قرار دهد و کیست که با قرب تو مانوس گشته باشد و آن گاه آرزوی دل به دیگری بستن و به غیر تو پیوستن را به سرّ ضمیر خویشتن راه دهد؟

باز از آن حضرت در مناجات دیگرش نقل شده است:

قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ وَ انْجَلَتْ ظُلْمَةُ الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَ
 ضَمَائِرِهِمْ... وَ طَابَ فِي مَجْلِسِ الْإِنْسِ سِرُّهُمْ... وَ اطمأننت بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ
 الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ... وَ قَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ... وَ رِيَحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا
 بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ^۱.

برده از برابر چشم آن خدا بینان کنار رفته و ظلمت شک و ریب از عقاید و عمق جانسان برطرف گردیده، سر و نهانشان در مجلس انس [با معبودشان] شاد و حرّم گشته، قلوبشان در اثر بازگشت به ربّ الارباب آرامشی کامل یافته، دیدگانسان با دیدن محبوبشان روشن شده و تجارتشان با فروختن دنیا به آخرت تجارتی سودمند آمده است.

همچنین، آن حضرت فرموده است:

إِلَهِي مَا أَلَذَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَ مَا أَحْلَى الْمَسِيرِ إِلَيْكَ
 بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ وَ مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ وَ مَا أَعْدَبَ شِرْبَ قُرْبِكَ^۲.

خدا یا، چه لذت بخش است خواطر الهمام بخشی که با یاد تو بر دلها می گذرد! و چه شیرین است سیر و سفری که با مرکب افکار نهران در راههای پنهان [از چشم کوتاه نظران] به سوی تو

۱- بخش‌هایی از مناجاة العارفين، از مناجات خمس عشرة، مفاتيح الجنان، صفحه‌ی ۱۲۷.

۲- بخش دیگری از مناجاة العارفين.

انجام می‌پذیرد! و چه پاکیزه و دل‌پذیر است طعم محبت! و چه دلنشین و خوشگوار است آب تقرب به ساحت اقدس!

ویژگی عبادت در هنگام شب

شب برای خلوت با محبوب، راز دل گفتن با معبود، قرار گرفتن جان در رهگذر جذبه‌ها و خلسه‌های روح‌انگیز الهی و در نتیجه، انجذاب روح و کنده شدن آن از زمین و اوج گرفتن آن در آسمان معنویت و نزدیک گشتنش به کانون جمال و بها و نیز، عرض نیاز عاشقانه به درگاه خدا، فرصت بسیار مغتنمی است.

انس علی علیه السلام با شب

به طور طبیعی، هنگامی که پرده‌ی ظلمت شب بین انسان و دیگر اشیاء حایل می‌شود، نوعی انقطاع قهری از عالم برای انسان پیش می‌آید و آدمی به فطرت خود بازمی‌گردد و با محبوب اصیل خود دمساز و همراه می‌شود. در حالات امیر مؤمنان علیه السلام آمده است:

كَانَ... يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَ زَهْرَتِهَا وَ يَسْتَأْنِسُ بِاللَّيْلِ وَ وَحْشَتِهِ.^۱

آن امام بزرگ از دنیا و مناظر زیبا و دلربای آن تنفر و وحشت داشت، اما به شب و تاریکی وحشت‌انگیز آن به شدت دل‌بسته و علاقه‌مند بود.

آری، آن عابد عارف و دوستدار کامل حق پیوسته در انتظار بود که شب فرا

۱- سفینه البحار، کلمه‌ی (اغذاء)، صفحه‌ی ۱۷۰، ضمن روایت عدی بن حاتم در حضور معاویه.

رسد، پرده‌ی ظلمت شب بین او و دیگران حایل گردد و خلوت خانه‌ی انس با حضرت معبود تشکیل شود، تا او بتواند با فراغت خاطر و آرامش دل به راز و نیاز با خدایش بپردازد، اسرار ناگفتنی خود را با محرم اسرارش در میان بگذارد و التهابات درونی اش را با آب مناجات با پروردگارش فرو بنشانند و آن قدر بنالد و اشک بریزد تا آن که در کنار نخل‌های خاموش بیابان آرام بر زمین افتد.

شب چه‌ها دیده به عالم، یارب	وای از اسرار درون دل شب
هجرها دیده پُر از سوز و گداز	وصل‌ها دیده پس از راز و نیاز
الفتی داشته با این دل شب	علی آن شیر خدا، شاه عرب
دل شب محرم سرّ الله است	شب ز اسرار علی آگاه است
جوشش چشمه‌ی حبّ ازلی	شب شنیده است مناجات علی

بنابراین، شایسته‌ی شأن پیروان مکتب امام عارفین، علی علیه السلام در عمل به احکام شریعت، پیروی در امر تهجد، شب‌زنده‌داری و استغفار سحرگاهی است؛ چنان که آن حضرت در وصف پرهیزکاران و پیروان راستین خود فرموده است:

أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُّونَهُ تَرْتِيلاً يُحْزِنُونَ بِهِ

۱- بدون تردید، شیعه‌ی واقعی کسی است که در ابعاد حیات اسلامی، با رعایت تمام حدود و شرایط زمانی و مکانی و دیگر ویژگی‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و عبادی (چه در مسائل مربوط به دنیا و چه در مسایل مربوط به آخرت) پیرو مکتب اهل بیت رسالت علیهم السلام باشد؛ چنان که ضمن یکی از بیانات امام امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف شیعه آمده است: «زُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ أُشْدُّ بِالنَّهَارِ»؛ شیعیان من پارسایان شب و شیران روزند (بحارالانوار، جلد ۶۸، صفحه ۱۹۱، حدیث ۴۷). البته، چون این جزوه‌ی مختصر به موضوع نماز شب اختصاص دارد، بحث درباره‌ی دیگر مسائل اسلامی، خارج از موضوع آن خواهد بود و ما نیز به آن اشاره نمی‌کنیم.

أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَتِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ... فَهُمْ حَانُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُقْتَرِشُونَ لِحَبَاهِهِمْ وَ
 أَكْفِهِمْ وَرُكْبِهِمْ وَأَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فِكَاكِ رِقَابِهِمْ.

چون شب فرارسد، [آن بیداردلان] پاهای خود را [برای قیام به عبادت و نماز] جفت می‌کنند و در کنار هم قرار می‌دهند، در حالی که آیات قرآن را شمرده و آرام و با تأمل و دقت تلاوت می‌کنند و بادل‌ی شکسته و محزون، داری دردهای [روحی] خود را در آیات قرآن می‌جویند... سپس کمر را [به رکوع در عبادت] خم می‌کنند و پیشانی و کف دست‌ها و زانو‌ها و سر انگشت پاها را [به حالت سجده] به خاک می‌سایند و [از این راه] از خداوند متعال، آزادی خویش را [از عذاب جهنم] می‌طلبند.

ترغیب نسل جوان به عبادت و وظیفه است

اینک که به فضل الهی، گرایش نسل جوان به خودسازی و پیشرفت در مسیر نزدیکی به خدا، آشکارا در جامعه‌ی اسلامی مان دیده می‌شود، در این موقع هدایت و تشویق و ترغیب این نسل نوخاسته‌ی آماده‌ی ارتقاء از هر راه ممکن و مشروع، از لوازم انسان دوستی و حق پرستی و رمز علاقه‌مندی به ترویج اسلام و قرآن به شمار می‌آید.

از این رو، این حقیر سراپا تقصیر به منظور تذکر و تشویق آن دسته از بیداردلان خداجو که آمادگی دارند به تلطیف روح و تقریب جان بپردازند، در این جزوه‌ی مختصر، قسمتی از آیات و روایات را در فضیلت و آداب نماز شب، گرد آوردی نموده است، به امید آن که به لطف خدا اثری در دلی بگذارد و از آن اثر، رشحه‌ای هم

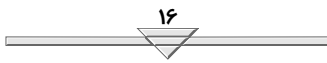
عاید این نویسنده‌ی بینوا گردد و در نتیجه، این کار بسیار کوچکش مورد قبول درگاه خداوند بزرگ و اولیای گرامی اش قرار گیرد که:

أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُنِي الصَّالِحَا
 اَللّٰهُمَّ اَحْمِلْنَا فِي سَفْنِ نَجَاتِكَ وَ مَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَ اُوْرِدْنَا حِيَاضَ
 حُبِّكَ وَ اَذِقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَ قُرْبِكَ وَ اجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ وَ هَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ وَ
 اَخْلِصْ نِيَاتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ فَاتَا بِكَ وَ لَكَ وَ لَا وَسِيْلَةَ لَنَا اِلَيْكَ اِلَّا اَنْتَ.^۱

از برادران و خواهران ایمانی خود نیز التماس دعا و استغفار در وقت سحر دارم.

سید محمد ضیاء آبادی

۱-بخشی از مناجاة المطيعين، از مناجات خمس عشرة، مفاتيح الجنان، صفحه‌ی ۱۲۳.



بسمه تعالی

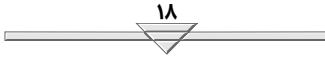
مقدمه‌ی ناشر

این کتاب که قبلاً توسط ناشران مختلف چندین بار به زیور چاپ آراسته شده، این بار با ویرایش جدید و بازنگری توسط مؤلف محترم به همت دفتر امور فرهنگی بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام به محضر شب خیزان شب ستیز و عارفان مؤمن سحر خیز تقدیم می‌گردد. امیدواریم مطالعه‌ی این کتاب، خوانندگان ارجمند را با فضیلت شب‌زنده‌داری بیش از پیش آشنا گرداند. ان شاء الله

دفتر امور فرهنگی

بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام

پاییز ۱۳۸۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در دل شب برخیز

يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ ❀ قُمْ اللَّيْلَ...^۱

ای جامه‌ی خواب به خود پیچیده، به هنگام شب برخیز.^۲

بر خیز و با خالق و آفریدگار خویش به راز و نیاز و عرض ادب بپرداز. آخر نه مگر وقت کار و عمل، همین دقیقه‌ها و لحظه‌های روز و شب است که به سرعت می‌گذرد و سرانجام با پایان یافتن این عمر زود گذر، روز پر غوغای بشر فرامی‌رسد؛ روزی که تهی‌دستی‌ها و بیچارگی‌های آدمیان آشکار می‌شود.

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ❀ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ❀ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ❀ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي.^۳

۱-سوردهی مزمل، آیات ۱ و ۲.

۲- نکته‌ی مهم در اینجا این است که مخاطب "یا ایها المرمَل" در آیه‌ی شریفه، شخص رسول خدا ﷺ است، ولی روشن است که تکلیف بر خاستن در دل شب برای خواندن نماز استجابی، به حکم آیات و روایات، تکلیف همگانی است.

۳-سوردهی فجر، آیات ۲۱ تا ۲۴.

زهار، آن گاه که زمین سخت در هم کوبیده شود و فرمان پروردگارت در رسد، فرشتگان صف در صف بايستند و آن روز جهنم [به صحنه‌ی محشر] آورده شود. آن روز آدمی پندپذیر [و بیدار] گردد، ولی آنجا چه جای پندپذیری [و بیداری] وی است. [پس با نهایت افسوس و ندامت] گوید: ای کاش برای زندگی‌ام [چیزی] از پیش می‌فرستادم.

رمز تهی‌دستی انسان در روز جزا

به فرموده‌ی رسول اکرم ﷺ مادر سلیمان بن داوود عليه السلام به سلیمان می‌گفت:
 يَا بُنَيَّ إِنِّي أَوَّلُ مَا يَكُونُ لِلرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۱

فرزندم، از زیاد خوابیدن در شب پرهیز که زیاد خوابیدن در شب به روز رستخیز، آدمی را فقیر و تهی‌دست و امی گذارد.

امام صادق عليه السلام هم در حدیثی به سلیمان دیلمی فرمود:

يَا سُلَيْمَانَ لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ الْمَعْبُودَ مَنْ حَرَّمَ قِيَامَ اللَّيْلِ. ۲

ای سلیمان، دست از شب خیزی بر مدار که زبان دیده کسی است که از قیام به هنگام شب

محروم بماند.

مَحْسَبُ أَيِّ دِيْدَةٍ جَنْدَانِ غَافِلٍ وَ مَسْت

چو هشیاران بر آور در جهان دست

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۵۲، حدیث ۲۹ (نقل از خصال و امالی صدوق).

۲- همان، صفحه ۱۴۶، حدیث ۲۰ (نقل از علل الشرایع).

که چندان خفت خواهی در دل خاک

که فرمُوشت گُند دورانِ افلاک

مبغوض ترین مردم در نزد خدا

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی، مبغوض ترین شخص نزد خداوند متعال را چنین

معرفی کرده است:

أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ جِيفَةٌ بِاللَّيْلِ بَطَّالٌ بِالنَّهَارِ.^۱

مبغوض ترین مردم در نزد خدا کسی است که مردار شب است و تبهکار در روز.

تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

برخیز، ای انسان به خواب مانده‌ی مغرور

گیاهان بیابان سر از بالش خاک برداشتند و غنچه‌ها شکفتند؛ درختان

کوهساران بارور شدند و قمریان و بلبلان نغمه‌ها سر دادند و به اوج آسمان پر

کشیدند؛ اما تو، ای بشر، هنوز در خوابی و همچنان در غفلت و خمودگی.

يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ ۖ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا.^۲

ای جامه‌ی خواب به خود پیچیده، به پا خیز! ای اشرف کائنات جهان، به پا خیز.

۱- بحار الانوار، صفحه‌ی ۱۵۸، حدیث ۴۶ (نقل از غایات).

۲- سوره‌ی مزمل، آیات ۱ و ۲.

آری، تو ای انسان عزیز، زودتر از دیگران بیدار شو. پیش از گل نرگس و یاسمن چشم بگشا و جلوتر از مرغ سحر بانگ بردار.

أَدْكُرِ اللَّهَ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ.

آدم آن نیست که بانگ مرغ سحر از خواب بیدارش کند؛ آدم آن است که پیش از مرغ سحر به شور و نوا برخیزد و «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ» گوید.

خروس صبح زد سُبُّوحٌ وَقُدُّوسٌ بر آور دیده از این خواب منحوس

به غیر از خوردن و خفتن ندانی نصیب اینت شد از معقول و محسوس

ز بالا سوی پستی چون کنی روی به مقصد کی رسی زین سیر معکوس؟

هشدار که خروس از تو هشیارتر نباشد

لقمان حکیم به فرزندش می گفت:

يَا بُنَيَّ لَا يَكُنْ الدَّيْكَ أَكْيَسَ مِنْكَ وَ أَكْثَرَ مُحَافِظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ إِلَّا تَرَاهُ

عِنْدَ كُلِّ صَلَوةٍ يُؤَدِّنُ لَهَا وَ بِالْأَشْحَارِ يُعْلِنُ بِصَوْتِهِ وَ أَنْتَ نَائِمٌ.^۱

فرزند عزیزم، مبادا چنین شود که خروس صبح از تو هشیارتر و در حفظ اوقات نماز از

تو مراقب تر باشد. آیا نمی بینی که به هنگام هر نماز، اعلام وقت می کند و سحرگهان به آوای

بلند ندا سر می دهد، در حالی که تو در خوابی.

هنگام سپیده دم خروس سحری دانی که چراهمی کند نوحه گری؟

یعنی که نمودند در آینه‌ی صبح کز عمر شبی گذشت و توبی خبری^۱
 يَا حَيْفَةً بِاللَّيْلِ بَطَالَةً بِالنَّهَارِ تَعْمَلُ عَمَلَ الْفَجَّارِ وَأَنْتَ تَطْلُبُ مَنَازِلَ
 الْأَبْرَارِ؟! هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ كَمْ تَضْرِبُ فِي حَدِيدٍ بَارِدٍ.^۲

ای مردار در شب و تبهار در روز، اعمال ناپاکان پیشه‌ی خود ساخته‌ای و آنگاه آرزوی

رسیدن به جایگاه پاکان داری؟ زهی تصوّر باطل، زهی خیال محال! تا کی بر آهن سرد می‌کوبی.

ای لباس اقتباس از دوش خویش انداخته
 وی ز بهر دام و دانه دین و دل در باخته
 ز آتش سودای دل در آتش حرص و امل
 همچو سیم و زر ز بهر سیم و زر بگداخته
 از جهولی بر طریق حق نرفته یک قدم
 و ز ظلومی سوی شهر شر دو اسبه تاخته
 بس خجالت‌ها بینی گریزمیری همچنان
 شکر نعمت‌ها نگفته، قدر خود نشناخته
 شرم باد از حضرت حق آدمی راهر سحر
 کوبه خواب غفلت است و حمدگویان فاخته^۳

۱- حکیم عمر خیّام.

۲- ارشاد القلوب دلیلی، باب ۲۲، نقل از گوینده‌ای گمنام.

۳- خواجه عبدالله انصاری.

دروغ می‌گوید آن کسی که...

يَا بْنَ عِمْرَانَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي؛ أَلَيْسَ كُلُّ
مُحِبِّ يَحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟ هَا أَنَا ذَا يَا بْنَ عِمْرَانَ مُطَّلِعٌ عَلَى أَحِبَائِي إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ
حَوَّلْتُ أَبْصَارَهُمْ فِي قُلُوبِهِمْ وَ مَثَلْتُ عَقُوبَتِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ يُخَاطِبُونِي عَنِ
الْمُشَاهَدَةِ وَ يُكَلِّمُونِي عَنِ الْحُضُورِ. يَا بْنَ عِمْرَانَ هَبْ لِي مِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ وَ
مِنْ بَدَنِكَ الْخُشُوعَ وَ مِنْ عَيْنَيْكَ الدُّمُوعَ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَ ادْعُنِي فَإِنَّكَ تَجِدُنِي
قَرِيباً مُجِيباً.^۱

ای پسر عمران، دروغ می‌گوید آن کس که گمان می‌کند مرا دوست دارد؛ در حالی که
چون شب فرا می‌رسد، از من چشم می‌پوشد و به خواب می‌رود. آیا چنین نیست که هر عاشقی
خلوت با معشوقش را دوست می‌دارد؟ هان ای پسر عمران، این منم که بر حال دوستانم آگاهم.
چون شب آنان را فرا گیرد، چشم دلشان را دگرگون می‌سازم [که جز من چیزی نمی‌بینند] و
عقوبتم را در مقابل دیدگانشان مجسم می‌کنم [بدان گونه] که از راه شهود و رویارویی با من به
گفتگو می‌نشینند. ای پسر عمران، در دل شب‌های تار از دلت خشوع، از تنت خضوع و از
چشمانت قطرات اشک نثار من کن و مرا بخوان که مرا به خود نزدیک و اجابت‌کننده‌ی دعایت
خواهی یافت.

چو شب گردد، اگر هشیاری ای دوست نباشد خوش‌تر از بیداری ای دوست

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۳۹، به روایت از امام صادق علیه السلام (قسمتی از سخنان خداوند حکیم با حضرت موسی
کَلِيمَ اللَّهِ عليه السلام، نقل از امالی صدوق).

چو شب گردد، چو شمع محفل ای جان به دل سوز و به چشم اشکی بيفشان
 چو شب گردد، به ساز عشق برخیز رها کن دل، به زلف دلبر آویز
 به همراه شبانگهان افلاک به راه عشق تاز از بسـتر خاک
 به خاک، از آب چشمان آتش افروز دل از مَه طلـعتان آسمان سوز
 به دیده باش چون ابر گهربار به دل سوزان تراز شمع شرربار
 چو مرغ حق به دل با ناله و زار به ذکر حق سحر گردان شب تار
 که بخشندت ز الطاف الهی ز آه شب نشاط صبحگاهی^۱



بگو به خواب که امشب میا به خانه ی ما جزیره ای که مکان تو بود آب گرفت



نه هر عاشق تواند اشک ریزی نه هر طالب تواند صبح خیزی
 تو را آن به که چون مردان سرمست شبی از خود به سوی حق گریزی

بهترین وقت تقرب انسان به خدا

عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ
 أَيُّ سَاعَةٍ يَكُونُ الْعَبْدُ أَقْرَبَ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ مِنْهُ قَرِيبٌ؟ قَالَ: إِذَا قَامَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ
 وَ الْعُيُونُ هَادِيَةٌ فَيَمْشِي إِلَى وُضُوئِهِ حَتَّى يَتَوَضَّأَ بِأَسْبَغٍ وَ وُضُوءٍ ثُمَّ يَجِيءُ حَتَّى

۱-مرحوم الهی قمشه ای.

يَقُومُ فِي مَسْجِدِهِ فَيُوجِّهُ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَ يَصِفُ قَدَمَيْهِ وَ يَرْفَعُ صَوْتَهُ وَ يُكَبِّرُ وَ
 افْتَتَحَ الصَّلَاةَ فَقَرَأَ أَجْزَاءَ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ قَامَ لِيُعِيدَ صَلَوَتَهُ نَادَاهُ مُنَادٍ مِنْ عِنَانِ
 السَّمَاءِ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ أَيُّهَا الْعَبْدُ الْمُنَادِي رَبُّهُ إِنَّ الْبِرَّ لَيُنْشَرُ عَلَى رَأْسِكَ مِنْ
 عِنَانِ السَّمَاءِ وَ الْمَلَائِكَةُ مُحِيطَةٌ بِكَ مِنْ لَدُنْ قَدَمَيْكَ إِلَى عِنَانِ السَّمَاءِ وَ اللَّهُ
 يُنَادِي: عَبْدِي لَوْ تَعَلَّمْ مَنْ تُنَاجِي إِذَا مَا انْقَلَبْتَ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ
 رَسُولِ اللَّهِ مَا الْإِنْفِتَالُ؟ قَالَ: تَقُولُ بِوَجْهِكَ وَ جَسَدِكَ هَكَذَا - ثُمَّ وَلَّى وَجْهَهُ -
 فَذَلِكَ الْإِنْفِتَالُ.^۱

ابن ابی یغفور می گوید: به حضور امام صادق علیه السلام عرض کردم: قربانت شوم، بفرمایید چه
 هنگام انسان به خدا و خدا به او نزدیک تر است؟ فرمود: آنگاه که آدمی آخر شب برخیزد و در
 حالی که چشم‌ها [ی دیگران] در خواب است، و ضویبی شاداب بگیرد و در عبادتگاه خود بایستد؛
 سپس، با حضور قلب و توجه دل به خدا، تکبیر نماز بگوید و با تلاوت قسمت‌هایی از قرآن، دو
 رکعت نماز به جای آورد و آنگاه برای ادامه‌ی نماز برخیزد. در این موقع، از سوی آسمان، از طرف
 راست عرش، این ندا برخیزد که: ای بنده‌ی خدا خوان، هم اینک نیکی و خیر از جانب آسمان بر
 سرت می‌بارد و فرشتگان، از کنار قدم‌های تو تا آسمان اطرافت را گرفته‌اند و خدا ندای کند: ای
 بنده‌ی من، اگر بدانی با که در حال گفتگو و راز و نیازی، انفثال از خود نشان نمی‌دهی. راوی
 می گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا، انفثال یعنی چه؟ امام علیه السلام در حالی که صورت خود را به

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۵۸، حدیث ۴۶ (نقل از غایات).

سمت پشت سر می چرخانید، فرمود: انفتال این است که صورت و بدنت را برگردانی.^۱

امشب آن نیست که در خواب رَوَد چشم ندیم

خواب در روضه‌ی رضوان نکند اهل نعیم

خاک رازنده کند تربیت باد بهار

سنگ باشد که دلش زنده نگردد به نسیم

بوی پیراهن گم کرده‌ی خود می شنوم

گر بگویم، همه گویند ضلالی است قدیم

ای رفیقان سفر، دست بدارید از ما

که بخواهیم نشستن به درِ دوست، مقیم

عجب از گُشته نباشد به در خیمه‌ی دوست

عجب از زنده که چون جان به در آورد سلیم

ظلمت شب برای بیداردلان نور آفرین است

عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ، أَوْحَى إِلَى الدُّنْيَا أَنْ أَتْعِبِي مَنْ

خَدَمَكَ وَ أَخْدِمِي مَنْ رَفَضَكَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ

الْمُظْلِمِ وَ نَاجَاهُ، أَثَبَّتَ اللَّهُ التَّوَرَ فِي قَلْبِهِ فَإِذَا قَالَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، نَادَاهُ الْجَلِيلُ جَلَّ

۱- احتمالاً کنایه از انصراف قلب و توجه دل به غیر خداست که برای آدم غافل از وضع نماز پیش می‌آید، نه برای انسان

عارف به موقعیت نماز و سرگرم راز و نیاز با خدا.

جَلَالُهُ لَبَّيْكَ عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيَّ أَكْفِكَ . ثُمَّ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ
 لِمَلَائِكَتِهِ: مَلَائِكَتِي أَنْظِرُوا إِلَيَّ عَبْدِي فَقَدْ تَخَلَّى فِي جَوْفِ هَذَا اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ
 الْبَطْلُونَ لَاهُونَ وَ الْغَافِلُونَ نِيَامُ . إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهُ...^۱

مفضل از امام صادق علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: خداوند - جل جلاله - به دنیا وحی کرد: هرکس در خدمت تو باشد، او را به رنج بینداز و هرکس تو را رها کرد، خدمتگزار او باش. هرگاه بنده در دل شب تار با مولای خود خلوت می کند و با او به راز و نیاز می پردازد، خداوند نور را در دل او قرار می دهد. پس، هنگامی که بگوید: ای پروردگار من؛ خداوند جلیل جل جلاله - به او جواب می دهد: لبتیک، ای بنده من، از من بخواه تا عطایت کنم. به من توکل کن تا تو را کفایت کنم. سپس، خداوند - جل جلاله - به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگان من، بنده ام را نگاه کنید؛ در دل این شب تیره با من خلوت کرده است، در حالی که باطل کاران به کارهای بیهوده مشغولند و غفلت زدگان در بستر خواب آرمیده اند. گواه باشید که من به طور حتم او را آمرزیدم...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْبُيُوتَ الَّتِي يُصَلِّي فِيهَا بِاللَّيْلِ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.^۲

از امام صادق علیه السلام منقول است: خانه هایی که در آنها نماز شب خوانده می شود و ضمن آن قرآن تلاوت می گردد، برای اهل آسمان می درخشند، همان گونه که ستاره های آسمان برای

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۳۷، حدیث ۴ (نقل از امالی صدوق).

۲- همان، صفحه ۱۵۴ (نقل از ثواب الاعمال صدوق).

اهل زمین می درخشند.

رَوَى عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ سِرَاحٌ لِصَاحِبِهَا فِي ظِلْمَةِ الْقَبْرِ^۱

از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منقول است: نماز شب برای صاحبش چراغی است در تاریکی قبر.

وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَىٰ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُمْ فِي ظِلْمَةِ اللَّيْلِ اجْعَلْ قَبْرَكَ رَوْضَةً مِنْ

رِيَاضِ الْجَنَّةِ.^۲

به موسی عَلَيْهِ السَّلَام وحی شد: در ظلمت شب به عبادت برخیز، که به پاداش آن، قبرت را باغی

از باغ‌های بهشت می سازم.

و نیز فرموده‌اند:

سَبَبُ الثَّوْرِ فِي الْقِيَامَةِ، الصَّلَاةُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ.^۳

روشنی روز قیامت از نماز خواندن در دل شب است.

عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَخِيهِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ: سُئِلَ

عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا بَالُ الْمُتَهَجِّدِينَ بِاللَّيْلِ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا؟ قَالَ:

لَا تَنَّهُمْ خَلَوْا بِرَبِّهِمْ فَكَسَاهُمْ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ.^۴

اسماعیل بن موسی از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده که از امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام سؤال شد: چرا

متهجّدان و شب‌زنده‌داران، از میان مردم به زیبایی چهره و خوش صورتی ممتازند؟ فرمود: زیرا

۱- ارشاد القلوب، احادیث منتخبه.

۲- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۵۵، حدیث ۳۸ (نقل از "دعوات" راوندی).

۳- تفسیر علی بن ابراهیم قمی، جلد ۲، صفحه ۲۵، ذیل آیه‌ی «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ...»؛ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۹.

۴- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۵۹، حدیث ۴۸ (نقل از علل الشرایع و عیون اخبار الرضا).

آنان با پروردگار خویش خلوت کرده‌اند و خداوند نیز آنان را با جامه‌ای از نور پوشانده است.

شب آمد گوهرا فروز نُه افلاک	شب آمد حکمت آموز دل پاک
شب آمد شهپر عنقای تجرید	شب آمد کشتی دریای توحید
شب آمد پرده پوش مست و هشیار	فروغ دیده و دل‌های بیدار
به شب، مردان که در ره تیز گامند	به سان شمع سوزان در قیامند
به شب، مردان حق را سوز و ساز است	به خاک عشق شب روی نیاز است
شب ار چشم طبیعت رفت در خواب	دل بیدار گشت از شوق بی تاب
شب ار بی‌دانشان آرام یابند	به شب ارباب دانش کام یابند
همه عشاق حق چون شمع سوزان	به شب استاده با قلب فروزان
همی خوانند خوش در پرده با شور	چو شمع از دفتر عشق آیت نور ^۱

أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَ تَرْتِيلًا يُحْزِنُونَ بِهِ
 أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَثِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ. فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَ
 تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَظَنُّوا أَنَّهَا نَصَبُ أَعْيُنِهِمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ
 اصْغَعُوا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظَنُّوا أَنَّ رَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقَهَا فِي أُصُولِ آدَانِهِمْ.^۲

به هنگام شب [بیدار دلان با تقوا] به با ایستاده و [در حال نماز] آیات قرآن را با تأمل و دقت

تلاوت می‌کنند و بادلی شکسته و محزون، داروی دردهای [روحی] خود را در آیات قرآن

۱- مرحوم الهی قمشه‌ای.

۲- نهج البلاغه فیض، خطبه‌ی ۱۸۴.

می جویند؛ و لذا، به هنگام مطالعه‌ی آیات رحمت دل به وعده‌های امیدبخش قرآن می دهند و آن چنان باشوق و شغف در آن آیات می نگرند که گویی تمام پادشاه‌های موعود الهی را در برابر دیدگان خود می بینند؛ و هرگاه آیات انذار و عذاب را می خوانند، چنان گوش دل به سوی آن می گشایند که گویی فریاد و خروش آتش دوزخ را در گوش‌های خود می شنوند.

همه شب تا سحر، آن عشق بازان	ز شوق دوست چون شمع گدازان
کنند اجزای قرآن را تلاوت	به ترتیل و تفکر، وز درایت
کنند از فکر در آیات قرآن	هزاران درد جان خویش درمان
خوشا آنان که شب زین دفتر عشق	همی خوانند نام دلبر عشق
خوشا آنان که هر شب تا سحرگاه	بدین خوش نغمه از دل برکشند آه
الهی آتش عشقم برافروز	به لطف خویش بختم ساز فیروز
به لطف خود چو آن آزاد مردان	دلم روشن به نور شوق گردان ^۱

صَبْرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تِجَارَةً مَّرِيحَةً يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ.^۲

چند روز کوتاهی [از دنیا] را به شکیبایی و صبر بر رنج و سختی می گذرانند تا در پی آن، راحت و آسایشی دراز [و بهشت بی پایان] به دست آورند. این [صبر تلخ با آن بر شیرین] تجارت پرسودی است که خدای آنان بر ایشان میسر فرموده است [هدایت و توفیق نیل به سعادت نصیبشان کرده است].

۱- مرحوم الهی قمشه‌ای.

۲- نهج البلاغه‌ی فیض، خطبه‌ی ۱۸۴.

حوران بهشتی در انتظار شب خیزان

نقل کرده‌اند که یکی از اهل عبادت گفته است: در خواب دیدم بر لب نهری از مشک ناب ایستاده‌ام و درختانی از لؤلؤ و مروارید از هر دو سمت در کنار آن نهر سایه افکنده‌اند. زنانی پری چهره و زیبا، لباس‌های سندسی در بر «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» به آهنگ خوشی می‌خوانند:

سُبْحَانَ الْمَسْبُوحِ بِكُلِّ لِسَانٍ سُبْحَانَهُ، سُبْحَانَ الْمَوْجُودِ فِي كُلِّ مَكَانٍ
سُبْحَانَهُ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ سُبْحَانَهُ.

پرسیدمشان که شما کیانید؟ در جوابم به لحن و آوای خوش تری مترنم شدند:

ذَرْنَا إِلَهَ النَّاسِ رَبُّ مُحَمَّدٍ لِقَوْمٍ عَلَى الْأَطْرَافِ بِاللَّيْلِ قَوْمٌ
يُنَاجُونَ رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهُهُمْ وَ تَسْرَى حُمُولُ الْقَوْمِ وَ النَّاسُ نُومٌ

ما را خدای مردم و پروردگار محمد ﷺ آفریده است، برای آن دسته از بندگان بیداری که نیمه‌شبان در حال نمازند و با آفریدگار خویش سرگرم راز و نیازند؛ در همان ساعاتی که غفلت‌زدگان به خواب‌نشین آخر شب فرو رفته‌اند و از آنچه در اطرافشان می‌گذرد و سرراهشان کمین کرده است بی‌خبرند. در همان لحظات و ساعات شب، کاروان آسمانیان محمل‌ها بسته‌اند و با اشک و آه و مناجات و تلاوت آیات قرآن، منزل‌ها می‌پیمایند و مرحله‌ها طی می‌کنند.^۱

۱- ارشاد القلوب، صفحه‌ی ۱۴۱، در فضیلت نماز شب.

ای عزیز، هم اکنون بیا خیز

يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ ﴿٥٦﴾ قُمْ اللَّيْلَ...^۱

ای جامه‌ی خواب شب به خود پیچیده، به پا خیز...

آری، به پا خیز و از این فرصت مغتنم بهره‌ی خود برگیر و بار سفر بند که به زودی بانگ الرحیل از پیک ربّ جلیل به گوش دیرنیوست طنین انداز می‌گردد و راه از همه سو به رویت بسته می‌شود.

در آن موقع است که فریاد «یا حَسْرَتَا عَلَيَّ مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ»^۲ از عمق جانت برمی‌خیزد و استغاثه‌ی «رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا»^۳ در سراپای وجودت می‌پیچد؛ اما جوابی جز «كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا»^۴ به گوشت نمی‌رسد. از بعضی نیکان نقل شده که شبی به خواب ماندم. شنیدم که منادی ناپیدایی می‌گفت:

أَتَنَامُ عَنْ حَضْرَةِ الرَّحْمَنِ وَ هُوَ يُقَسِّمُ الْجَوَائِزَ بِالرِّضْوَانِ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ وَ
الْخِلَانِ؟ فَمَنْ أَرَادَ مِنْهُ الْمَزِيدَ فَلَا يَنَامُ لَيْلَهُ الطَّوِيلَ وَ لَا يَقْنَعُ مِنْ نَفْسِهِ بِالْقَلِيلِ.^۵

آیا از حضور در پیشگاه حضرت رحمان اعراض کرده و در بستر خواب آرمیده‌ای، حال آن که او هم اکنون در میان دوستان خود برای ورود به بهشت رضوان جایزه‌ها تقسیم می‌کند.

۱-سوره‌ی مزمّل، آیات ۱ و ۲.

۲-سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۵۶؛ یعنی: ای افسوس بر آن تقصیر و کوتاهی عمل که در حق خدا کردم!

۳-سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۹۹؛ یعنی: ای خدای من، مرا بازگردان تا شاید عمل صالحی انجام دهم و گذشته‌ها را جبران کنم.

۴-همان، آیه‌ی ۱۰۰؛ یعنی: چنین نیست؛ این سخنی است که او به زبان می‌آورد [و دیگر راه بازگشت به دنیا نیست].

۵-ارشاد القلوب، باب مبادرت در عمل.

آن کس که خواهان این جوایز والاست، تمام شب را به خواب نمی‌رود و از سعادت جاودانه‌اش به کم نمی‌سازد.

توصیه‌ی مکرر امیر مؤمنان علیه السلام

امام امیرالمؤمنین علیه السلام همواره یاران خود را با این جملات اندرز می‌داد:

تَجَهَّرُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ وَ أَقْلُوا العُرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ
انْقَلَبُوا بِصَالِحٍ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الرَّادِ؛ فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقَبَةً كَوْوَدًا وَ مَنَازِلَ مَخُوفَةً
مَهُولَةً لَا بُدَّ مِنَ الوُرُودِ عَلَيْهَا وَ الوُقُوفِ عِنْدَهَا وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَلَاحِظَ المَنِيَّةِ نَحْوَكُمْ
دَائِبَةٌ وَ كَأَنَّكُمْ بِمَخَالِبِهَا وَ قَدْ نَشِبَتْ فِيكُمْ وَ قَدْ دَهَمَتْكُمْ فِيهَا مُنْطِعَاتُ الأُمُورِ وَ
مُعْضَلَاتُ المَخْدُورِ، فَقَطِّعُوا عَلائِقَ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهِرُوا بِرَادِ التَّقْوَى.^۱

آماده‌ی سفر شوید [خدا بر شما رحمت آورد] که ندای کوچ و انتقال [از این سرا به سرای

آخرت] در میانتان داده شده است. توقف در دنیا را اندک بشمارید [و دل به آن نبندید]. با

توشه‌ی شایسته‌ای که به آن دسترسی دارید [از طاعت و بندگی به سوی خدا] باز گردید؛

زیرا، در پیش‌رویتان گردنه‌ی ناهموار و منزل‌های ترس‌آور هولناکی است که از ورود و توقف

در آن ناگزیرید. بدانید که نگاه‌های گوشه‌چشمی مرگ پیوسته به سوی شماست و [از نظر

حتمیت حادثه‌ی مرگ] گویی که شما هم اکنون در چنگال آن گرفتارید و کردارهای بد و

مشکلات زندگی شما را فرا گرفته و از مرگ غافلان کرده است. بنابراین، وابستگی‌های دنیا را

۱- نهج البلاغه‌ی فیض، خطبه‌ی ۱۹۵.

از خود دور کنید و با تحصیل زاد و توشه‌ی تقوا، خود را [برای پیمودن این راه پرحادثه و دشوار] توانا گردانید.

گریه‌ی حضرت علی علیه السلام در بازار بصره

روزی امیر مؤمنان علیه السلام در بازار بصره به شدت گریست و سپس فرمود:

يَا عَيْبِدَ الدُّنْيَا وَ عُمَالَ أَهْلِهَا، إِذَا كُنْتُمْ بِالنَّهَارِ تَحْلِفُونَ وَ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِكُمْ تَنَامُونَ
وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ عَنِ الْآخِرَةِ تَعْمَلُونَ، فَمَتَى تُجَهِّزُونَ الزَّادَ وَ تُفَكِّرُونَ فِي الْمَعَادِ.^۱

ای بردگان دنیا و مزدوران اهل آن، وقتی چنین باشد که روز را به سوگند [در معاملات]

بگذرانید و شب در بستر خواب بیارمید و در خلال این [دو کار] از [اندیشه درباره‌ی] آخرت

غافل شوید، پس چه وقت توشه‌ی آخرت تحصیل می‌کنید و درباره‌ی معاد می‌اندیشید؟

شب خفته و روز مست و هر صبح خماری

اوقات عزیز بسین که چون می‌گذرد



کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

وه که بس بی‌خبر از غلغل چندین جرسی

بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن

حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی

۱- سفینه البحار، جلد ۱، کلمه‌ی (سوق)، صفحه‌ی ۶۷۴.

چه شکرهاست در این شهر که قانع شده‌اند

شاهبازان طریقت به مقام مگسی

لَمَعَ الْبَرْقُ مِنَ الطُّورِ وَ آنَسْتُ بِهِ

فَلَعَلِّي لَكَ آتٍ بِشَهَابٍ قَبَسٍ^۱

يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ ﴿٥٥﴾ قُمْ اللَّيْلَ... إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا.^۲

شب به پا خیز ای جامه به خود پیچیده... که ما به تو گفتاری سنگین القاء خواهیم کرد.

قرآن عظیم، کلامی بس سنگین و گران است

در این که قرآن حکیم و عظیم، کلامی بس سنگین و گران است، تردیدی

نیست؛ زیرا این کتاب شریف، کلام خدا و حقیقت فرود آمده از مقام اشمخ و اعلای

ربوبیت است.

تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى!^۳

و به بیان امام صادق علیه السلام:

وَاللَّهِ لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِحَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنْ لَا يُبْصَرُونَ.^۴

به خدا سوگند، خدا در کلام خود بر خلق خود تجلی کرده است؛ لیکن نمی بینند.

بنابراین، طبیعی است که تحمل آن برای بشر، هر چند در درجه‌ی اعلای قوت

۱- حافظ.

۲- سوره‌ی مزمّل، آیات ۱ تا ۵.

۳- سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴؛ یعنی: فرود آمده از کسی است که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده است.

۴- المحجّة البيضاء، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۴۷.

هم باشد، دشوار و گاه طاقت فرسا تلقی شود؛ چنان که:

فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا.^۱

کوه، از یک تجلی رب متلاشی گشت و موسای کلیم عليه السلام بیهوش افتاد.

در حالات رسول اکرم صلى الله عليه وآله به هنگام نزول وحی آمده است که در شدت

سرمای هوا، عرق می ریخت و گاهی حال غشیه و اغما آن حضرت را فرامی گرفت.

خود آن حضرت عليه السلام در جواب حارث بن هشام، که از کیفیت نزول وحی

پرسید، فرمود:

أَحْيَانًا يَا تَيْبَنِي مِثْلَ صَلْصَلَةِ الْجَرَسِ وَ هُوَ أَشَدُّهُ عَلَيَّ.^۲

گاه مانند آواز زنگ بر من القاء می شود و آن برای من سخت ترین نوع وحی است.

از بعضی عارفان، تعبیر خاصی در این باب نقل شده که می گوید:

إِنَّ كُلَّ حَرْفٍ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ فِي اللَّوْحِ أَعْظَمُ مِنْ جَبَلِ قَافٍ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَوِ
اجْتَمَعَتْ عَلَى الْحَرْفِ الْوَاحِدِ أَنْ يَقْلُوهُ مَا أَطَاقُوهُ حَتَّى يَأْتِيَ إِسْرَافِيلُ وَ هُوَ مَلَكُ
اللَّوْحِ فَيَرْفَعُهُ فَيَقْلُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ رَحْمَتِهِ لَا يَقْوَتُهُ وَ طَاقَتِهِ وَلَكِنَّ اللَّهَ طَوَّقَهُ ذَلِكَ وَ
اسْتَعْمَلَهُ بِهِ.^۳

هر حرفی از حروف قرآن در لوح محفوظ عظیم تراز «کوه قاف»^۴ است. اگر تمام

۱-سوره ی اعراف، آیه ۱۴۳.

۲-بحار الانوار، جلد ۱۸، صفحات ۲۶۰ و ۲۶۱.

۳-المحجة البيضاء، جلد ۲، صفحات ۲۳۴ و ۲۳۵.

۴-قاف، کوهی است افسانه ای که گویند از زبرد سبز است و محیط بر کوهی زمین و اصل و اساس همه ی کوه های زمین است (لسان العرب و فرهنگ معین). بنابراین، در کلام این عارف معقول به شبه محسوس تشبیه شده است.

فرشتگان برای حمل یک حرف از حروف آن اجتماع کنند، نتوانند آن را حمل کنند؛ تا آن که اسرافیل که ملک موکل بر لوح است و خداوند طاقت خاصی برای این کار به وی داده، تصدی این عمل را به عهده می گیرد و آن را به اذن و رحمت حق برمی دارد.

آری، کلام فرود آمده از ساحت عزّ و جلال و کبریا، از نظر درک محتویات عرشی آن بس ثقیل و گران و مرد افکن است و تحقق بخشیدن به حقایق آسمانی آن در صحنه ی قلب و عمل، به ریاضت ها و مجاهدت های فراوان نیاز دارد؛ افزون بر آن که در مرحله ی ابلاغ و دعوت مردم، مستلزم روبه رو شدن با سختی ها و مصیبت های بی شمار است؛ چنان که زندگانی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امت صدر اسلام، پراز ناملایمات جسمی و روحی است که از سوی کافران و منافقان وارد می شد. خداوند خود نیز، در قرآن حکیم در مقام اشاره به سنگینی کلامش، فرموده است:

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ
الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.^۱

اگر این قرآن را [از باب مثل] بر کوهی فرود آورده بودیم، هر آینه می دیدی آن کوه را که از ترس خدا در هم شکسته و از هم متلاشی شده است. این مثل ها را برای مردم می زنیم باشد که بیندیشند.

آمادگی برای تحمّل بار سنگین قرآن و شب زنده داری

از آیات اول سوره ی مزّمّل چنین استنباط می شود که آدمی برای حمل بار

سنگین قرآن با عقل و قلب و جوارح، به نیروی خاص الهی نیاز دارد. آن نیرو نیز از راه قیام در دل شب برای نماز، به دست می آید؛ تا آن جا که رسول اعظم حق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به قیام در شب و تلاوت آیات قرآن مأمور می گردد تا آمادگی لازم را برای تلقی قول ثقیل قرآن کریم به دست آورد که:

يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ ﴿۱﴾ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۲﴾ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿۳﴾ أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿۴﴾ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿۵﴾

ای جامه‌ی خواب به خود پیچیده، شب را به پا خیز؛ مگر اندکی از آن. نیمه‌ی آن را [در حال قیام] باش یا کمی از آن بکاه. یا بر آن [چیزی] بیفزای. قرآن را شمرده بخوان [شمرده خواندنی که توأم با تفهّم و اقبال قلب و عزم بر عمل باشد]، زیرا ما به تو گفتاری سنگین القاء خواهیم کرد.

نیل به مقام محمود در گرو شب خیزی و تهجد است

همچنین نایل گشتن آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مقام محمود که عبارت از شفاعت کُبری در روز جزاست^۲، در گرو شب خیزی و تهجد ارائه گردیده و خطاب به آن حضرت وحی شده است که:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿۳﴾

۱-سوردهی مزمل، آیات ۱ تا ۵.

۲-بر اساس روایات رسیده از شیعه و سنی (از جمله تفسیر المیزان، جلد ۱۳، صفحه ۱۸۷ و تفسیر نورالثقلین، صفحه ۱۹۱).

۳-سوردهی اسراء، آیه ۷۹.

پاسی از شب را از خواب برخیز و به تلاوت قرآن [و نماز] بپرداز که این وظیفه‌ای برای توست، تا پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.

هر چند مخاطب در این آیه شریفه و همچنین آیات آغازین سوره‌ی مزمل، شخص رسول اکرم ﷺ است، ولی از نظر تأثیر عبادت در تلطیف و تقویت روح انسان مؤمن، باید بگوییم هر فرد با ایمانی که خواهان درک معارف آسمانی قرآن در سطحی عالی تر است یا می‌خواهد به اخلاق والای قرآنی زینده شود و در مفاهیم عالی صبر و شکر و رضا و توکل و تسلیم و اخلاص و یقین، به سر حدّ وجدان و تحقّق عینی برسد، و در مقام عمل نیز نشاط و رغبتی تمام برای امتثال اوامر قرآن در خویش احساس کند و بالاخره، در مرحله‌ی ابلاغ و دعوت مردم به صراط مستقیم دین، نیروی تحمل انواع سختی‌ها را به دست آورد و در میدان بذل مال و جان، عاشقانه قدم به پیش بگذارد و سرانجام، در روز رستاخیز عظیم به سهم در حدّ خود، دارای حظّی بزرگ از مقام محمود و منصب شفاعت گردد، لازم است مقداری از شب را برای نماز و تلاوت قرآن و عرض نیاز به درگاه خالق یکتا از خواب برخیزد و در ساعاتی که بر اثر فرونشستن غوغای زندگی مادی و کنار رفتن انواع شواعل حسّی، نوعی آرامش فکر و حضور قلب برایش میسر شده است، به تحصیل طهارت خاصّ روحی که شرط لازم برای تماس با حقایق مکنون قرآن کریم است، بپردازد که می‌فرماید:

فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿۱۰﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَيْتَعْلَمُونَ عَظِيمٍ ﴿۱۱﴾ إِنَّهُ لَفَرُّانٌ

كِرِيمٍ ﴿۱۰﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.^۱

به جایگاه‌های ستارگان سوگند و این [اگر بدانید] سوگندی بزرگ است که به طور حتم، قرآن کریم و صاحب منزلت [در نزد خدا] در کتابی پوشیده و نهان است و کسی جز پاک‌شدگان [از آلودگی گناهان] با آن تماس نمی‌یابد.

آری، همچنان که جواز تماسّ بدنی با نوشته‌ی قرآن مشروط به طهارت از حدث^۲ است، تماسّ قلبی با حقایق پنهان قرآن نیز، مشروط به طهارت روح از پلیدی گناه و خالی کردن قلب از غیر خداست. البته، درجه‌ی اعلا و مرحله‌ی نهایی طهارت روح از پلیدی‌ها و تماسّ قلب با حقیقت نهانی قرآن در انحصار خاندان عصمت علیهم‌السلام است که خدا در باره‌ی آنان فرموده:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.^۳

همانا اراده‌ی همیشه‌ی خدا بر این است که هر گونه پلیدی را از [ساحت] شما اهل بیت [خاندان نبوت] دور بدارد و شمارا [از مطلق ناپاکی] پاک نگه دارد.

ولی با این وصف، هر فرد مؤمن به قرآن و مکلف به تدبّر در آن نیز می‌تواند در حدّ توان و استعداد و اندازه‌ی ایمان و عمل، در مقام تحصیل طهارت و سپس ورود به دریای ژرف معارف قرآن و برخوردارگی از آن برآید. این کار هم، به حکم خود قرآن

۱-سوره‌ی واقعه، آیات ۷۵ تا ۷۹.

۲-داشتن وضو، غسل یا تیمم بدل از آن.

۳-سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳.

کریم، مرهون تهجد و شب خیزی و اشک و آه نیمه شبان است.

هر گنج سعادت که خداداد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود

نماز شب و طمأنینه‌ی نفس و حال یقین

در شب به علت بسته بودن چشم و گوش از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها دل انسان فارغ

است و طبعاً حضور قلب و طمأنینه‌ی نفس، بیشتر و همگامی دل با زبان در ذکر و دعا

و تلاوت قرآن صادق تر است و به نشاط و اخلاص در عمل نزدیک تر:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً^۱.

شب خیزی [یا روح شب خیز به عبادت] در ثبات قدم، محکم تر است و در صداقت

گفتار، راسخ تر.

در شب، دل زنده را به حق میل بود در دیده‌ی شب روان او سیل بود

بر روز مفاخرت کنی می شاید ای شب چو چراغ توقم اللیل بود

اما در روز انسان در مسیر پر غوغای کسب روزی و تحصیل مهمات زندگی،

همواره در جنب و جوش است و با انواع کارهایی که آرامش خاطر را به هم

می زند، رو بروست:

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً^۲.

از عالم عارف ربّانی، مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی، نقل شده است که

۱- سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۶.

۲- همان، آیه‌ی ۷، یعنی تورا در روز [از بهر تحصیل معاش] سبّح و سیری باشد دراز (سبّح: تود در رفت و آمد شدید).

می فرمود: کسانی که در مقامات دین به جایی رسیده اند، همه از شب خیزها بوده اند؛ از غیر آنها دیده نشده است.^۱

از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام هم منقول است:

إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ.^۲

رسیدن به قرب و لقاء خداوند عزّ و جلّ، سفر و سیری است که جز با مرکب شب ممکن نیست.

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول زورد نیم شب و درس صبحگاه رسید

نماز شب در بیماری یا سفر یا میدان نبرد

خداوند حکیم در سوره ی مزمل، پس از امر رسول مکرم خود صلی الله علیه و آله و سلم به شب

خیزی و ترتیل قرآن در نماز شب و سپس تعمیم آن به همه ی اهل ایمان و خداجویان،

آن هم به قدر یک سوّم شب یا نصف و یا دو سوّم آن، از روی لطف و رحمت در مقام

تخفیف تکلیف بر می آید و می فرماید:

عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ

سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ

آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ.^۳

پروردگارتان دانست که [همه ی] شما طاققت بیدار ماندن مقدار معینی از شب را ندارید]

۱- کتاب لقاء الله، تألیف مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی (رض)، صفحه ی ۱۰۰.

۲- بحار الانوار، جلد ۲۸، صفحه ی ۳۸۰.

۳- سوره ی مزمل، آیه ی ۲۰.

آن گونه که در تمام فصل های سال، احیای دو ثلث و نصف و حتی ثلث هر شب را مداوم باشید [از این رو عذر شما را پذیرفت] و در این تکلیف به شما تخفیف داد [حال، آنچه میسر است، از قرآن بخوانید. او دانست که [ممکن است] افرادی از شما بیمار باشند و جمع دیگری در سفر در طلب رزق خدا و دیگر گروه، مشغول کارزار در راه خدا باشند؛ حال، آنچه میسر است از آن [قرآن] بخوانید.

این آیه بیانگر اهمیت نافله ی شب برای ساختن انسان مقرب است تا آنجا که ضعف و سستی بیماران و خستگی ها و دل نگرانی های مسافران و انواع پریشان خاطری های رزمندگان نباید سبب و عذری برای ترک نماز و دعا و تلاوت قرآن آخر شب شود که موجب خسران جبران ناشدنی خواهد بود.

از این رو، هر مقدار که میسر است، هر چند تنها به جا آوردن یک رکعت نماز وتر و تلاوت سوره ای کوتاه از قرآن باشد، در ساعت آخر شب باید به آن تبرک جست و کاهلی در عمل نباید کرد.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: الرَّكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. ۱

انس بن مالک گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: دو رکعت نماز در دل شب، برای من محبوب تر است از دنیا و آنچه در آن است.

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۴۸، حرith ۲۳ (نقل از علل الشرایع).

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِالْوَتْرِ وَ أَنَّ عَلِيًّا كَانَ يُشَدِّدُ فِيهِ وَلَا يُرَخِّصُ فِي تَرْكِهِ.^۱

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان از علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نماز و ترا امر فرموده و علی علیه السلام شدیدا به نماز و تراهمیت می داد و رخصت در ترک آن نمی داد.

قال أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيْتَنَّ إِلَّا بَوْتِرٍ.^۲

امام محمد باقر علیه السلام فرموده است: هر کس ایمان به خدا و روز جزا دارد، نباید شب را به صبح برساند، مگر این که نماز و تر^۳ را به جا آورد.

ثواب نافله‌ی شب را جز خدا کسی نمی داند

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا مِنْ عَمَلٍ حَسَنٍ يَعْمَلُهُ الْعَبْدُ إِلَّا وَ لَهُ ثَوَابٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يُبَيِّنْ ثَوَابَهَا لِعَظِيمِ حَظِّهَا عِنْدَهُ؛ فَقَالَ: تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کار نیکی که بنده انجام می دهد، در قرآن از برای آن پاداشی هست مگر نماز شب که خداوند از آن نظر که پاداش آن در نزد او بسیار بزرگ است، مقدارش را

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۵۷، ذیل حدیث ۴۳، نقل از دعائم الاسلام.

۲- همان، صفحه ۱۴۵، حدیث ۱۹، نقل از علل الشرایع.

۳- بر اساس روایات، مقصود از «وتر»، مجموع سه رکعت از «شفع» و «وتر» است. وسائل الشیعه، جلد ۳، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۵، حدیث ۹ و ۱۰.

۴- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۴۰، ذیل رقم ۸؛ نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی تفسیر آیه‌ی ۱۶ سوره سجده.

بیان فرموده و فرموده است:

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ...

یعنی، پهلوهای آنان [اهل عبادت و ایمان] از خوابگاه‌ها دور می‌شود [و از بسترهای خواب برمی‌خیزند] پروردگارشان را از روی بیم [عقاب] و امید [ثواب] می‌خوانند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند. حال، کسی نمی‌داند که به پاداش عملشان، چه چشم روشنی‌ها برای آنان، نهان و ذخیره گردیده است.

آیا بس نیست همین یک آیه از قرآن؟

حال ای باورداران روز جزا و ای تصدیق‌کنندگان کلام خدا، آیا بس نیست همین یک آیه از قرآن که خواب از چشم‌ها برآید و جان‌ها را از آتش عشق به رضوان حق و شوق وصول به «جَنَّةِ النَّعِيمِ» ملتهب سازد و بیکرها را از میان بسترها بیرون کشد و در محفل انس با خدا به رکوع و سجود و راز و نیاز با خالق بی‌همتا وارد دارد که:

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ.^۱

وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ.^۲

آری، به حق حقّ قسم که همین یک آیه، برای تکان دادن زنده‌دلان کافی است:

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ.^۳

۱-سوردهی صافات، آیه‌ی ۶۱، برای این [ثواب‌های عظیم] آنان که اهل کارند، باید کار کنند.

۲-سوردهی مطففین، آیه‌ی ۲۶، یعنی و در این [نعمت‌های جاودانه] کسانی که اهل رغبتند، باید رغبت کنند.

۳-سوردهی ق، آیه‌ی ۳۷.

در این [حقایق آسمانی قرآن] یادآوری است برای کسی که قلب [زنده و حسّاس] دارد

یا گوش فرامی دهد، در حالی که دلش در حال حضور و آگاه است.

اثر یک جمله‌ی جاندار

در حالات مرحوم شیخ جعفر کبیر، کاشف الغطا، که از علمای بزرگ در قرن

سیزدهم و ساکن نجف اشرف بوده، آمده است:

در یکی از شب‌ها که برای تهجد برخاست، فرزند جوانش را از خواب بیدار کرد

و فرمود: برخیز به حرم مطهر مشرف شویم و آنجا نماز بخوانیم. فرزند جوان که

برخاستن از خواب در آن ساعت شب برایش دشوار بود، در مقام عذرخواهی برآمد و

گفت: من فعلاً آماده نیستم، شما منتظر من نشوید. بعد، مشرف می شوم. فرمود: نه، من

اینجا ایستاده‌ام. برخیز، آماده شو که با هم برویم. آقا زاده ناچار از جا برخاست و وضو

ساخت و با هم به راه افتادند.

کنار در صحن مطهر که رسیدند، فقیری را دیدند نشسته و دست گدایی از مردم

دراز کرده است. آن عالم بزرگوار ایستاد و رو به فرزندش فرمود: این شخص در این

وقت شب برای چه اینجا نشسته است؟ گفت: برای گدایی از مردم. فرمود: آیا چه

مقدار ممکن است از رهگذران عاید او گردد؟ گفت: احتمالاً مثلاً یک تومان (به پول

فعلی ما). فرمود: درست فکر کن بین، این آدم برای یک مبلغ بسیار اندک و کم ارزش

دنیا که آن هم احتمالی است، در این وقت شب از خواب و آسایش خود دست

برداشته و آمده در این گوشه نشسته و دست تذلل به سوی مردم باز کرده است؛ آیا تو به اندازه‌ی این شخص، به وعده‌های خدا درباره‌ی شب‌خیزان و متهجدان اعتماد نداری که فرموده است:

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ^۱

گفته‌اند آن فرزند جوان از شنیدن این گفتار، چنان تکان خورد و تنبیه یافت که تا آخر عمر از شرف و سعادت بیداری آخر شب برخوردار بود و نماز شبش ترک نشد. آری:

...إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ﴿۱۰﴾ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا...^۲

آن کس که دل زنده است، از زنده‌دلان پند پذیرنده است و گرنه:

مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ^۳

از مردگان در دل خاک خفته، چه انتظاری می‌توان داشت؟

بهبانه‌جویی‌ها از ضعف ایمان است

حال، ای نفس بَطَّال جفاکار، آیا انصافاً این همه سهل‌انگاری و بی‌حالی در

شب‌خیزی که موجب از دست رفتن آن همه نعمت‌ها و سعادت‌های جاودانه‌ی

اخروی است، از ضعف ایمان به وعده‌های حضرت ربِّ العالمین نیست؟

۱-سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۱۷.

۲-سوره‌ی یس، بخش‌هایی از آیات ۶۹ و ۷۰، یعنی قرآن، چیزی جز یادآوری روشن نیست؛ تا کسی را که زنده است، هشدار دهد.

۳-سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۲۲، یعنی تو [ای پیامبر] نمی‌توانی چیزی به مردگان گورستان بشنوانی.

در زمستان سرمای هوا و در تابستان کوتاهی شب‌ها را عذر خود تراشیدن، در سنین جوانی قوت مزاج و در دوران پیری ضعف مزاج را علت پرخوابی خویش دانستن، گهگاه از سردرد و دل‌درد و تب و لرز، ایجاد مانع کردن و احياناً کارهای خسته‌کننده‌ی روزانه را سبب خواب ماندن آخر شب دانستن و نظایر اینها، بهانه‌جویی‌های کودکانه‌ای است برای فرار از زحمت شب‌خیزی که به هیچ وجه مورد قبول هوشمندان عالم نمی‌باشد.

چه این که تو خود می‌دانی و ما هم می‌دانیم اگر کاری از کارهای سودآور دنیا پیش آید و لازم شود یک ماه یا دو ماه از خواب شبت دست برداری یا در مقابل اجرت بیشتر، همه شب پیش از سحر در محل کار همیشگی خود حاضر شوی، بی‌هرگونه عذر تراشی و تعلل، می‌پذیری. نه تنها سخن از ضعف قوا و کهولت سن و انواع درد و مرض به میان نمی‌آوری، بلکه به رغم تمام این عذرها و علت‌ها، خود را فردی آماده‌ی کار و عنصری فعال و مصمم و خستگی‌ناپذیر و مقاوم معرفی می‌کنی و دست از خواب و آسایش شب بر می‌داری و به استناد این که «زنده، زندگی می‌خواهد» و «گنج بی‌رنج میسر نمی‌شود» و «مزد، آن گرفت جان برادر که کار کرد»، به هرگونه ذلت و زحمت در راه دنیا طلبی تن می‌دهی و به راستی که هیچ احساس ضعف و سستی و درماندگی هم نمی‌کنی!

فوا اسفاه! و واحزنه! آیا جدّاً این بدان علت نیست که به ارزش پول و منافع مادی

دنیا پی برده و آن را باور کرده‌ای؛ اما هنوز ارزش «فردوس برین» و «جنة التعمیم» و لقاء و رضوان خدا را نشناخته‌ای و یا آن را به طور قطع و مسلم باور نکرده‌ای؟

حال اگر راستی مطلب از این قرار است، پس دو دستی بر سر خود بکوب و از این بدبختی و جهل و نابخردی به خود بیا و تضرع کنان التجابه درگاه رب کریم و رحیم بیر و بگو:

رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي وَ انْقَطَعْتَ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي، فَاَنَا الْأَسِيرُ بِبَلِيَّتِي
 الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، الْمُرْتَدُّ فِي حَاطِيَّتِي، الْمُتَحَيَّرُ عَنِ قَصْدِي، الْمُتَقَطِّعُ بِي، قَدْ
 أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذِلَّةِ الْمُذْنِبِينَ، مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّينَ عَلَيْكَ،
 الْمُسْتَخْفِينَ بِوَعْدِكَ. سُبْحَانَكَ، أَيُّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ وَ أَيُّ تَغْيِيرٍ غَرَّرْتُ
 بِنَفْسِي. مَوْلَايَ اِرْحَمْ كَبُوتِي لِحُرِّ وَجْهِي وَ زَلَّةَ قَدَمِي، وَ عُدِّ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي
 وَ بِإِحْسَانِكَ عَلَيَّ إِسَاءَتِي، فَاَنَا الْمُقَرَّرُ بِذَنْبِي الْمُعْتَرِفُ بِحَاطِيَّتِي وَ هَذِهِ يَدِي وَ
 نَاصِيَّتِي، أَسْتَكِينُ بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي. اِرْحَمْ شَيْبَتِي وَ نَفَادَ أَيَّامِي وَ اقْتِرَابَ أَجَلِي وَ
 ضَعْفِي وَ مَسْكَنتِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي.^۱

پروردگارا، گناهانم مرا خاموش ساخته و [رشته‌ی] گفتارم را گسیخته است. اینک
 حجتی ندارم و از این رو به بلیه‌ی خویش اسیر و به کردار خود در گرو هستم، در خطای خود،
 سرگشته و از مقصد خود، سرگردان و در راه و امانده‌ام. خود را به [دست خود] در موقف ذلیلان

۱- صحیفه‌ی سجاده‌په، بخشی از دعای ۵۳.

گنهکار آورده‌ام. در جایگاه بدبختانی که بر تو گستاخ گردیده‌اند و وعده‌های تو را سرسری
انگاشته‌اند [قرار گرفته‌ام]. منزّهی تو [ای خدا] من به چه جرأتی بر تو دلیری کردم و به کدام
فریبی خود را به مهلکه افکندم؟ مولای من، بر به زمین خوردن با صورتم و لغزش قدمم ترخّم
فرما و به حلم خودت به نادانی‌ام ببخش. از بدکاری‌های من به احسانت درگذر؛ چه آن که من به
گناه خود مُقِرّ و به خطای خود معترفم. این، دست و سر من است که برای قصاص از خودم به
زاری و مسکنت تسلیم می‌کنم [پروردگارا،] بر پیری و پایان‌پذیری عمر و نزدیک شدن مرگ و
ناتوانی و مسکینی و بیچارگی‌ام رحمت آور.

بس که بر ما غالب آمد نفسک بیداد ما

گشت شیطان هم‌نشیش تا شود شدّاد ما

رخصت تلبیس خود را می‌زند بر رِقّ دل

فرصت تقدیس حق را می‌برد از یاد ما

نیست ما را دختران باقیات الصّالحات

تا مگر لطف قبول حق شود داماد ما

پُرّ گناهیم و تباه و نامه شد یکسر سیاه

لیک قرآن رهبر ما، ذکر او ارشاد ما

ما به نور لا اله و شمع الا الله رویم

سوی جنّت گر به طاعت می‌روند او تاد ما^۱

۱- از خواجه عبدالله انصاری، و چه بهتر که به جای بیت آخر بگوییم: ما به نور حُبّ عترت شاد و خزم می‌رویم - سوی جنّت گر
به طاعت می‌روند او تاد ما.

نشان بهشتیان از دیدگاه قرآن

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۱۰۸﴾ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ
مُحْسِنِينَ ﴿۱۰۹﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿۱۱۰﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿۱۱۱﴾^۱

پرهیزکاران [در سرای آخرت] در میان باغ‌ها و کنار چشمه سارهایی [که به وصف در نیاید] به سر می‌برند، در حالی که آنچه پروردگارشان به آنان عطا می‌فرماید دریافت می‌کنند [این حیات سعادت بار از آن جهت نصیبشان شده است] که آنان پیش از این [در دنیا] نیکوکار بوده‌اند [و کار نیکشان این بود که پیوسته] اندکی از شب را می‌خوابیدند [قسمت عمده‌ای از ساعات شب را به نماز و دعا و تلاوت قرآن می‌گذرانیدند] و سحرگاهان به استغفار و آمرزش خواهی از خدا می‌پرداختند.

خوشا وقت نکوکاران عالم	که بر سر جهان گشتند مَحْرَم
خوشا روز و شب آن پاکبازان	به جز حق از دو عالم بی نیازان
خوشا بر جان هشیاران آن یار	که از خواب گران گشتند بیدار
همه گشتند خوش بیدار از این خواب	گذر کردند بر گردون چو مهتاب
همه زین دام غم خوش بر پریدند	به گلزار تجرّد آرمیدند

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: قَالَ: كَانَ إِذَا اسْتَوَى مِنَ الرَّكُوعِ فِي آخِرِ رَكْعَتِهِ
مِنَ الْوُتْرِ، قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ: كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا

يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِفُونَ. اَطَالَ وَ اللَّهُ هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيَامِي وَ هَذَا
السَّحْرُ وَ أَنَا اسْتَعْفِرُكَ لِذُنُوبِي اسْتِغْفَارَ مَنْ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا
مَوْتًا وَ لَا حَيَوَةً وَ لَا نُشُورًا. ثُمَّ يَخِرُّ سَاجِدًا.^۲

راوی حدیث از حضرت امام کاظم علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت در نماز و ترویج آن
از رکوع سر بر می داشت و می ایستاد چنین می گفت: خدایا، تو در کتاب فرود آمده‌ات [قرآن]
فرموده‌ای [بهشتیان پیوسته چنین بودند] اندکی از شب را می خوابیدند و سحرگهان استغفار
می کردند. به خدا سوگند خواب من طولانی و شب خیزی من اندک است. حال، این سحر است و
من به استغفار از گناهانم برخاسته‌ام؛ استغفار کسی که نه مالک سود و زیان خود می باشد و نه
مرگ و حیات و نشورش را در اختیار خود دارد. سپس امام علیه السلام به سجده می افتاد.

زنهار که از استغفار سحرگاهی محروم نمایی

إِيَّاكَ أَنْ تَغْفَلَ عَنِ الْإِسْتِغْفَارِ فِي وَقْتِ الْأَسْحَارِ، فَذَلِكَ وَقْتُ لَا تَنَامُ فِيهِ
الْأَطْيَارُ. بَلْ تَرْفَعُ أَصْوَاتَهَا بِالتَّسْبِيحِ وَ الْأَذْكَارِ.^۳

هشدار که از استغفار به وقت سحرگهان، در غفلت و حرمان نمایی؛ آن ساعتی است که
پرنندگان نیز در آن ساعت بیدارند و صدا به تسبیح و اذکار مناسب با حال خویش بر می دارند.
دوش مرغی به صبح می نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش

۱-سوره‌ی ذاریات، آیات ۱۷ و ۱۸.

۲-علل الشرایع، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۳، باب ۸۶، حدیث ۳.

۳-ارشاد القلوب، باب ۲۲، فضیلت نماز شب.

یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش
گفت: باور نداشتم که تو را بانگ مرغی چنین کند مدهوش
گفتم: این شرط آدمیت نیست مرغ، تسیح خوان و من خاموش^۱



شوقِ لیلِ النَّومِ مِمَّا يَهْجُونَ باش در اسحار از یَسْتَغْفِرُونَ
اندکی صرفه بکن از خواب و خور از مغان بهر ملاقاتش ببر
حق تعالی خلق را گوید به حشر ارمغان کو از برای روز نشر
جستموناً و فُرادی بی‌نوا هم بدانسان که خلقناکم کذا
هین چه آورید دست آویز را ارمغان روز رستاخیز را
یا امید بازگشتن تان نبود وعده‌ی امروز باطلتان نمود^۲

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ.^۳

آیا چنین پنداشته‌اید که ما شما را به عبث آفریده‌ایم و شما به سوی ما، باز نخواهید گشت؟

پس کی بار سفر می‌بندید؟

می‌گویند یکی از مردان خدا به هنگامی که در یکی از منازل بین راه مکّه،
نزدیک منی، با خانواده‌اش بار انداخته و روزگاری توقّف کرده بود، هر شب به تهجد

۱- گلستان سعدی.

۲- مولوی.

۳- سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۱۵.

برمی خاست و تا نزدیک سحر به نماز می ایستاد. هنگام سحر که می شد به صدای بلند ندا می داد:

أَيُّهَا الرَّكْبُ الْمُعْرَسُونَ، أَكُلَّ هَذَا اللَّيْلِ تَنَامُونَ، فَكَيْفَ تَزُولُونَ.

ای رهگذرانی که برای استراحت موقت توقف کرده و بار انداخته اید اگر بنا شود تمام

شب را بخوابید، پس کی بار خواهید بست و به راه خواهید افتاد؟

به این صدا، تمام کسانی که در اطراف بودند، از خواب می پریدند و هراسان

برای وضو و نماز آماده می شدند و سپس، جمعی به تضرع و زاری و جمعی به دعا و

تلاوت می پرداختند و همین که سپیده ی صبح می دید، آن مرد خدا دوباره به

رساترین صدا می گفت:

عِنْدَ الصَّبَاحِ يُحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى.^۱

به هنگام صبح از مردم شبر و سپاسگزاری می شود.

(در فصل تابستان اگر کاروان، شب به راه افتد و رنج بی خوابی را تحمل کند،

بامداد که به منزل رسید و از گرمای بیابان رهید، در نزد عاقلان مورد ستایش و تمجید

قرار خواهد گرفت)^۲.

سحر سر منزل مقصود یابد

اگر شب کاروان در ره شتابد



۱- نهج البلاغه ی فیض اقتباس از خطبه ی ۱۵۹ (آخرین جمله از پنجمین قسمت خطبه).

۲- جامع السعادات، جزء سوم، صفحه ی ۱۰۴.

خواب نوشین بامداد رحیل باز دارد پیاده راز سبیل

بانگ بیدار باش علی علیه السلام

عِبَادَ اللَّهِ، الْآنَ فَاعْمَلُوا وَ الْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ وَالْأَبْدَانُ صَاحِحَةٌ وَ الْأَعْضَاءُ لَدَنَةٌ
وَ الْمُنْقَلَبُ فَسِيحٌ وَ الْمَجَالُ عَرِيضٌ قَبْلَ إِزْهَاقِ الْفَوْتِ وَ حُلُولِ الْمَوْتِ فَحَقُّوا
عَلَيْكُمْ نَزُولَهُ وَ لَا تَتَنَظَّرُوا قُدُومَهُ.^۱

ای بندگان خدا، هم اکنون که زبان‌ها باز و بدن‌ها سالم و اعضای بدن رام و جای آمد و شد فراخ و فرصت باقی است، کار کنید [به عبادت و بندگی خدا بپردازید] پیش از آن که نیستی سبقت جوید و مرگ فرارسد. فرود آمدن مرگ را بر خود محقق دانید و [آن را آمده بشمارید و مانند کسی که به انتظار آینده‌ی نامعلومی به بیکاری و سهل‌انگاری می‌گراید] منتظر آن ننشینید.

آری، چنین نیست که همیشه بدن، سالم و اعضای تن، مطیع فرمان و در خدمت انسان باشد؛ زبان در دهان به روانی بچرخد و خون در رگ‌ها با نشاط تمام بجوشد و دست و پا و عضلات در کمال راحتی و سرعت، به قیام و رکوع و سجود، در حرکت باشند.

به زودی تمام این سرمایه‌ها از دست می‌رود؛ زبان از حرکت باز می‌ماند و خون از جریان می‌افتد، دیدگان، بی‌فروغ و دست و پا هم چون چوب خشک می‌شود و بدن، متلاشی می‌گردد. در آن موقع، آرزو خواهیم کرد که به قدر یک نفس مهلت گفتن یک لا اله الا الله به ما بدهند؛ اما دیگر نمی‌دهند.

۱- نهج البلاغه‌ی فیض، خطبه‌ی ۱۸۷.

سهل باشد در ره فقر و فنا گرسد تن را تَعَب جان را عِنا
 رنج راحت دان چو مطلب شد بزرگ گرد گله توتیای چشم گرگ
 حال امام علی علیه السلام در دل شب

ضرار بن ضمیره ی ضبابی، در حضور معاویه، گوشه‌ای از حالات شبانه‌ی امام علی علیه السلام را بیان کرد؛ چنان که او با آن قساوت قلب به گریه افتاد. ضرار گفت:

فَأَشْهَدُ لَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي بَعْضِ مَوَاقِفِهِ وَقَدْ أَرَحَى اللَّيْلُ سُدُّوْلَهُ وَهُوَ قَائِمٌ فِي مِحْرَابِهِ
 قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ وَيَقُولُ: يَا دُنْيَا يَا
 دُنْيَا، إِلَيْكَ عَنِّي، أَبِي تَعَرَّضْتُ؟ أُمِّ إِلَيَّ تَشَوَّقْتُ؟ لَا حَانَ حِينُكَ، هَيْهَاتَ! غُرِّي غَيْرِي؛
 لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ قَدْ طَلَّقْتِكِ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا. فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَخَطْرُكَ يَسِيرٌ وَ
 أَمْلُكَ حَقِيرٌ؛ أَمْ مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ وَطُولِ الطَّرِيقِ وَبُعْدِ السَّفَرِ وَعَظِيمِ الْمَوْرِدِ.^۱

گواهی می‌دهم که من او را در بعضی مواقف عبادتش دیدم، هنگامی که شب پرده‌های تاریکی خود را گسترده و آن حضرت در محراب عبادت خویش ایستاده و دست بر محاسنش گرفته بود و هم چون مار گزیده به خود می‌پیچید و مانند آدم غمزده می‌گریست و خطاب به دنیا می‌فرمود: ای دنیا، ای دنیا، از من فاصله بگیر. آیا [برای فریب] به من رو آورده‌ای یا طالب و خواهان من شده‌ای؟ نیاید آن روز تو! چه آرزوی دور و بعدی است این آرزوی تو! دیگری را بفریب که مرا به تو نیازی نیست. تو را من سه بار طلاق داده‌ام که در آن باز گشتی نیست.

۱- نهج البلاغه ی فیض، حکمت ۷۴.

زندگانی تو کوتاه، ارزشت اندک و آرزویت پست است. آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و بزرگی منزلگاه و محل ورود.

نیز از «حَبَّة عُرْنَى» نقل است که شبی با «نوف بکالی» - که هر دو از اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام هستند - در خواب بودیم. ساعات آخر شب بود که از خواب پریدم و چشمم به امام امیر مؤمنان علیه السلام افتاد. دیدم مانند اشخاص واله و حیران، دست بر دیوار و سر بر آسمان، به تلاوت قرآن مشغول است و این آیه را می خواند و تکرار می کند:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿۱۰۱﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ...^۱

پس از مدّتی متوجّه من شد و فرمود:

أَرَأَيْدُ أَنْتَ يَا حَبَّةُ أُمِّ رَامِقٍ.

ای حبه! خوابی یا بیدار؟

گفتم: بیدارم مولای من؛ اما از کار شما سخت متحیر و سرگردانم. می بینم که شما این چنین بی قرار هستی و نا آرام. پس حال ما (گنهکاران) چگونه خواهد بود.

امام علیه السلام با شنیدن این سخن پلک های چشم مبارکش روی هم افتاد و قطرات اشک از دیدگان شریفش به صورتش جاری شد و فرمود:

۱-سوردهی آل عمران، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱.

يَا حَبَّةُ إِنَّ لِلَّهِ مَوْفِقًا وَ لَنَا بَيْنَ يَدَيْهِ مَوْفِقًا لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ أَعْمَالِنَا. يَا حَبَّةُ إِنَّ اللَّهَ أَقْرَبُ إِلَيَّ وَ إِلَيْكَ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ. يَا حَبَّةُ إِنَّهُ لَا يَحْجُبُنِي وَ لَا إِيَّاكَ عَنِ اللَّهِ شَيْئًا.

ای حبه، یقین بدان که خدا را توففگاهی است برای رسیدگی به حساب اعمال بندگان. در آن توففگاه به تمام اعمال ما، که چیزی از آن بر خدا مخفی نیست، رسیدگی خواهد شد. ای حبه، خدا از رگ گردن به من و تو نزدیک تر است و چیزی بین ما و خدا حاجب و ساتر نیست. یعنی ای حبه، علی چگونه آسوده و آرام بخوابد، در حالی که می داند چشم بیدار خدا شاهد اعمال ریز و درشت اوست.

حبه می گوید: در این موقع امام عليه السلام متوجه «نوف» شد و فرمود:

أَرَأَيْدُ أَنْتَ يَا نَوْفُ.

ای نوف، آیا در خوابی؟

عرضه داشت:

لَا، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنَا بِرَاقِدٍ وَ قَدْ أَطَلْتُ بُكَائِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ.

نه، ای امیر مؤمنان، بیدارم و بر حال خود گریانم. مرا امشب به گریه ی بسیار واداشتی.

پس حضرت فرمود:

يَا نَوْفُ إِنْ طَالَ بُكَائُكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مَخَافَةً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى قَرَّتْ عَيْنَاكَ عَدَاً

بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. يَا نَوْفُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ مِنْ عَيْنِ رَجُلٍ مِنْ

حَشِيَّةِ اللَّهِ إِلَّا أَطْفَاتُ بَحَاراً مِنَ النَّيِّرَانِ...

ای نوف! اگر از ترس خدا امشب گریه کنی، فردا در پیشگاه او شاد و خرم خواهی بود.

ای نوف، هیچ قطره‌ی اشکی از چشم کسی از خوف خدا نمی‌ریزد، مگر این که دریا‌هایی از آتش [قهر خدا] را خاموش می‌سازد.

آنگاه امام علیه السلام مقداری آنان را موعظه کرد و پند و اندرزشان داد و در پایان

سخنان خود فرمود:

فَكُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذَرٍ فَقَدْ أَنْدَرْتُكُمْ.

حال، از خدا بترسید و از عذابش برحذر باشید که من اندارتان کردم [و از عقبات سنگین

پس از مرگ آگاهتان ساختم].

سپس، امام به راه افتاد و هم‌چنان می‌رفت و همی گفت:

لَيْتَ شِعْرِي فِي غَفْلَاتِي أَمْعُرُضُ أَنْتَ عَنِّي أَمْ نَاطِرٌ إِلَيَّ وَ لَيْتَ شِعْرِي فِي

طُولِ مَنَامِي وَ قَلْبَةٍ شُكْرِي فِي نَعْمِكَ عَلَيَّ مَا حَالِي.

کاش می‌دانستم [ای پروردگار من،] که در اوقات غفلتم آیا تو از من روگردانی یا نظر

لطف و عنایت درباره‌ام داری و کاش می‌دانستم در آن ساعات [شب] که به خواب گران فرو

رفته‌ام و زمانی که در برابر نعمت‌های تو به شکر و سپاس اندک اکتفا کرده‌ام، چه حالی [و چه

موقعیتی در پیشگاه تو] دارم.

حَبِّهِ گوید: به خدا قسم، حال علی علیه السلام به همین منوال بود تا سپیده‌ی صبح دمید.^۱

۱- سفینة البحار، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۵، کلمه‌ی (یکی).

ای به غفلت گذرانیده همه عمر عزیز

تا چه بودی و چه کردی عملت کو و کدام

توشه‌ی آخرت چیست در این راه دراز

که تو راموی سپید از اجل آورده پیام

چون شوی هم‌ره حوران بهشتی که تو را

همه در آب و گیاه است نظر چون انعام

وای اگر پرده بیفتد که زبس خجالت و شرم

همه بر جای عرق، خون دل آید ز مسام^۱

فکر آن کن که نمانی ز سعادت محروم

کار خود ساز که اینجاد و سه روزی است مقام

امام صادق علیه السلام به هنگام شب

وَ كَانَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام رُبَّمَا يَأْتِي الْقُبُورَ لَيْلًا وَيَقُولُ: يَا أَهْلَ الْقُبُورِ

مَالِي إِذَا دَعَوْتُكُمْ لَا تُجِيبُونِ؟ ثُمَّ يَقُولُ: حَيْلَ وَاللَّهِ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْجَوَابِ وَ كَأَنِّي

أَكُونُ مِثْلَهُمْ. ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ الْقَبِيلَةَ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ.^۲

امام صادق علیه السلام گاهی شبانه به قبرستان می‌رفت و می‌فرمود: ای در دل خاک خفتگان،

چگونه است که می‌خوانمتان و جواب نمی‌دهید؟ آن‌گاه ادامه می‌داد: به خدا قسم بین آنان و

۱- مسام: سوراخ‌ها و منفذهای بدن.

۲- مجموعه‌ی ورام، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۸۴.

جواب، حائلی افتاده که دیگر نمی توانند پاسخ دهند و من هم مثل آنان خواهم شد. سپس، رو به قبله می ایستاد و تا طلوع آفتاب به راز و نیاز و مناجات با خدا می پرداخت.

کنون باید ای خفته بیدار بود چو مرگ اندر آرد ز خوابت چه سود
 چو شبیت در آمد به روی شباب شبت روز شد دیده برکن ز خواب
 من آن روز بر کندم از عمر امید که افتادم اندر سیاهی سپید
 گذشت آن چه در ناصوبی گذشت در این دم دگر در نیابی گذشت
 گرت چشم عقل است، تدبیر گور کنون کن که چشم نخورده ست مور
 کنونت که چشم است اشکی بیار زبان در دهان است عذری بیار

موعظه ای جالب

مردی نیکوکار از عالمی آگاه موعظه ای طلید؛ او گفت:

أَوْصِيكَ بِشَيْءٍ وَّ وَاحِدٍ. اعْلَمْ أَنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَعْمَلَانِ فِيكَ فَاعْمَلْ أَنْتَ فِيهَا.^۱

من به تو یک موعظه بیشتر ندارم و آن این است که بدان شب و روز در روی تو کار خود

را می کنند؛ تو هم در شب و روز کار خود را بکن.

آری، روز و شب، پیوسته مانند دو غارتگر زبردست، به بهره گیری از وجود انسان مشغولند و بارفت و آمد پیاپی خود، به تدریج تنها سرمایه ی آدمی را، که عمر اوست، از دستش می گیرند؛ تن را به فرسودگی می کشانند و هر قوتی را به ضعف

۱- ارشاد القلوب، فی المبادرة فی العمل، باب ۱۳.

تبدیل می کنند و سرانجام، این حیات و نشاط کنونی را به مرگ و فسردگی و از هم پاشیدگی می کشانند.

لذا، بر انسان عاقل هشیار است که او نیز به سرعت دست به کار بهره گیری از دقیقه ها و لحظه های روز و شب شود و بی هرگونه درنگ و بی حالی، از لحظه لحظه ای این زمان در حال گذر، برای تأمین حیات عالم باقی، یعنی زندگی پس از مرگ، استفاده کند و تافرصت و قوادراختیار است از تحصیل سعادت جاودانه ای آن سرا غفلت نورزد که:

هر که دانه نفشانند به زمستان در خاک

ناامیدی برد از دخل به تابستانش



تا به خرمن برسد کشت امیدی که تو راست

چاره ی کار به جز دیده ی بارانی نیست

پر کردن خزانه های شبانه روز

در روایات، از رسول مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که برای هر شبانه روز انسان در

روز جزا ۲۴ خزانه گشوده می شود که بعضی از آن ها پرو بعضی دیگر خالی است.

وقتی خزانه ی مربوط به ساعتی که انسان در آن کار نیک انجام داده است

گشوده می شود، درخشندگی نور حسنات آن چنان سرور و بهجت در دل و جان وی

به وجود می آورد که اگر به فرض، آن سرور و بهجت در میان جهنمیان توزیع گردد، درد و رنج عذاب جهنم فراموششان می شود و زمانی که خزانه‌ی مربوط به ساعت اشتغال به گناه و خطا را باز می کنند، در اثر آن محتوای زشت و نکبت بار، ظلمت و عفوئی بس شدید و رنج آور آدمی را فرامی گیرد که اگر فرضاً آن درد و رنج و بلا، در میان بهشتیان تقسیم شود، تمام خوشی های آنان به زجر و عذاب تبدیل می گردد. اما وقتی خزانه‌ی خالی که مربوط به ساعتی است که انسان غافل در آن ساعت، تن به تنبلی داده و از هر گونه عمل نورانگیز بهجت‌زا، اهمال کرده است، باز شود، در اثر خالی بودن آن، غمی جانکاه به انسان رو می آورد که چرا بر اثر بی حالی و غفلت، از آن همه نعمت‌های جاودان تهی دست شده است.^۱

حال، ای نفس بیهوده کار، اندکی به خود بیا و این لحظه‌های عزیز عمر را مغتنم بشمار؛ خزانه‌ها و چمدان‌های این سفر عظیم را از جواهرات اعمال نیک پر کن که فردا به طور حتم این چمدان‌ها گشوده خواهد شد و زشت و زیبای زندگی جاودانه‌ات، با محتویات همین‌ها تحقق خواهد یافت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرُ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ...^۲

ای باورداران، از خدا پروا کنید و هرکس باید بنگرد که برای فردا [بی که عظمت آن به

وصف در نیاید] چه پیش فرستاده است.

۱- کفعمی، محاسبه النفس، صفحات ۷ و ۸؛ المحجّة البيضاء، جلد ۸، صفحه ۱۵۲.

۲- سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۱۸.

بشناس قدر خویش که پاکیزه تر ز تو

دُرّی نداد پرورش این آبگون صدف

عمر تو گنج و هر نفس از وی یکی گهر

گنجی چنین لطیف مکن رایگان تلف^۱



عمری به غم دنیسی دون می گذرد

هر لحظه ز دیده اشک خون می گذرد

شب خفته و روز مست و هر صبح خمار

اوقات عزیز بین که چون می گذرد

نماز شب، وسیله‌ی نجات از وحشت قبر

ابوذر (رحمه الله) کنار درب کعبه ایستاد و به موعظه‌ی مردم پرداخت و ضمن آن

فرمود:

حُجَّ حَجَّةً لِعِظَائِمِ الْأُمُورِ وَ صُمْ يَوْمًا لِرَجْرَةِ النَّشُورِ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فِي سَوَادِ

الَّيْلِ لَوْحَشَةِ الْقُبُورِ.^۲

برای نیل به مقاصد عظیم، حتی بجا آور و برای نجات از شدت و دهشت روز حشر،

روزی را روزه بدار و برای خلاصی از وحشت قبر دور رکعت نمازی در سیاهی شب بگذار.

۱-جامی.

۲-بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۶۰، حدیث ۵۱ (نقل از دعائم الاسلام).

آنچه نافع به حالم شد، رگعات وقت سحر بود

جُنَیْدِ بَغْدَادِي را که از مشایخ عرفان است و در قرن سوّم هجری می زیسته^۱، پس از مرگش در خواب دیدند و از وی پرسیدند: خدا با تو چگونه رفتار کرد؟ گفت:

طَارَتْ تِلْكَ الْإِشَارَاتُ وَ طَاحَتْ تِلْكَ الْعِبَارَاتُ وَ غَابَتْ تِلْكَ الْعُلُومُ وَ
انْدَرَسَتْ تِلْكَ الرُّسُومُ وَ مَا نَفَعْنَا إِلَّا رُكُوعَاتٌ كُنَّا نَزُكُّهَا فِي السَّحْرِ.^۲

تمام آن اشارات و رموز عرفانی از دست برفت و آن عبارات، در هم ریخت، آن علوم از دل ناپدید گشت و آن رسوم از هم پاشید و جز چند رکعت کوتاهی که به هنگام سحر به جای آوردیم، ما را چیز دیگری نفع نبخشید.

از آمدن شب مسرور می شوم و از طلوع صبح محزون

از بعضی اهل کمال نقل شده که می گفته است:

إِذَا رَأَيْتُ اللَّيْلَ مُقْبِلًا فَرِحْتُ وَ أَقُولُ أَخْلُو بِرَبِّي وَ إِذَا رَأَيْتُ الصُّبْحَ قَرِيبًا
اسْتَوْحَشْتُ كِرَاهَةَ لِقَاءِ مَنْ يَشْغَلُنِي عَنْ رَبِّي.^۳

وقتی می بینم شب رو می آورد، خوشحال می شوم از این که به خلوت خانه‌ی خدا می روم و با او به راز و نیاز می پردازم؛ ولی همین که احساس می کنم به صبح نزدیک می شوم، محزون و غمین می گردم از این که باز به دیدار کسانی که از خدا می مشغولم می سازند دچار می آیم.

۱- نامه‌ی دانشوران، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۰۰.

۲- شیخ بهایی، کشکول، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۷.

۳- همان، صفحه‌ی ۸.

شب آمد شب که گردد محفل من

سویه چون زلف دلبر یاد دل من

شب آمد شب که نالد عاشق زار

گاهی از دست دل، گاهی ز دلدار

شب از فریاد مرغ حق شود مست

بسه تار طره‌ی جانان زند دست

شب است اخترشناسان را دل افروز

شب است آتش به جانان را جگر سوز^۱

زمستان، بهار مؤمن است

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْشَّتَاءُ رَبِيعُ الْمُؤْمِنِ يَطُولُ فِيهِ لَيْلُهُ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى قِيَامِهِ وَيَقْصُرُ فِيهِ

نَهَارُهُ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى صِيَامِهِ.^۲

زمستان بهار مؤمن است که از درازی شبش برای نماز یاری می‌طلبد و از کوتاهی روزش

برای روزه کمک می‌گیرد.

اگر به ندای ملک موکل شب بیدار نشود

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اسْتَعِينُوا بِطَعَامِ السَّحْرِ عَلَى صِيَامِ النَّهَارِ وَبِالْقِيَلُولَةِ

۱- از نغمه‌ی الهی مرحوم قمشه‌ای.

۲- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه‌ی ۱۵۲، حدیث ۲۸ (نقل از "امالی" صدوق).

عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ وَ مَا نَامَ اللَّيْلَ كُلَّهُ أَحَدٌ إِلَّا بَالَ الشَّيْطَانُ فِي أُذُنَيْهِ وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُفْلِسًا وَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ مَلَكٌ يُوقِظُهُ مِنْ نَوْمِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ مَرَّتَيْنِ يَقُولُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ افْعُدْ لِتَذْكَرَ رَبَّكَ فَفِي الثَّالِثَةِ إِنْ لَمْ يَنْتَبِهْ يَبُولُ الشَّيْطَانُ فِي أُذُنِهِ.^۱

رسول خدا ﷺ فرموده است: کمک بگیرید از غذای سحرگاهی برای روزه‌داری در روز و از خواب وسط روز برای برخاستن در شب به نماز. هرکس تمام شب را به خواب به سر برد، شیطان در دو گوش وی بول می‌کند و او در قیامت، تهی دست وارد محشر می‌شود. بر هر کسی فرشته‌ای گماشته شده که شبی دوبار او را از خواب بیدار می‌کند و می‌گوید: ای بنده‌ی خدا! برخیز و به یاد خدایت باش؛ بار سوّم اگر بیدار نشد، شیطان در گوش او بول می‌کند.

احتمالاً مقصود از بول شیطان در گوش انسان خواب آلوده‌ی محروم از نماز شب، پلیدی خاصی است که بر اثر کوچک شمردن وعده‌های الهی در مورد این عبادت روحانی، عارض روح او می‌گردد تا آنجا که گویی اصلاً شایستگی طرف خطاب بودن با فرشتگان پاک را از دست می‌دهد و گوشش که باید راه بیداری قلب و گذرگاه الهامات ملائکه باشد، در واقع ابزار از خود بی‌خبری و مجرای القائات شیطان می‌شود و در نتیجه، در روز جزا از جرگه‌ی پاکان و پاک‌اندیشان خارج می‌گردد.

عَظُمَتْ مُصِيبَةُ عَبْدِكَ الْمُسْكِينِ فِي نَوْمِهِ عَنِ مَهْرٍ حُورِ الْعَيْنِ
الْأَوْلِيَاءِ تَمْتَعُوا بِكَ فِي الدُّجَى بِتَهْجُدٍ وَ تَحَشُّعٍ وَ حَنِينٍ

۱- ارشاد القلوب، فی فضل صلوٰة اللیل، باب ۲۲.

فَطَرَدْتَنِي عَنْ قَرْعِ بَابِكَ دُونَهُمْ أَتَرَى لِعُظْمِ جِرَائِمِي سَبَقُونِي
 أَوْ جَدْتَهُمْ لَمْ يُدْنِبُوا فَرِحْتَهُمْ أَمْ أَدْنَبُوا فَعَفَوْتَ عَنْهُمْ دُونِي
 إِنْ لَمْ يَكُنْ لِلْعَفْوِ عِنْدَكَ مَوْضِعٌ لِلْمُدْنِبِينَ فَأَيْنَ حُسْنُ ظُنُونِي^۱

ای خدای من، چه بزرگ مصیبتی دامنگیر این بنده‌ی بیچاره‌ات گردید که بر اثر خواب ساعت آخر شب، مهریه‌ی حوران بهشتی - نماز شب - از دستش برفت.

در آن لحظات مغتنم و تاریک خانه‌ی خلوت شب که دوستانت با بیداری و اشک و ناله و آه، از محفل انس تو برخوردار بودند، تو مرا از در خانه‌ات طرد کردی.

آیا این بی‌مهری از آن جهت بوده که آنان بی‌گناه بوده‌اند و من گنهکارم؟ یا نه، آنها هم مانند من گنه کار بوده‌اند، اما از گناهان آنان درگذشتی و از من در نگذشتی؟

حال اگر به درگاه تو (ای خدا) از بهر گنهکاران جای عفو و گذشتی نباشد، پس حسن ظنّ و گمان نیک من به تو در کجا اثر خواهد داشت و چگونه خواهد شد؟

دانیان مغزدار از نظر قرآن

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ
 هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ.^۲

آیا کسی که در ساعات شب به نماز ایستاده و گاه در حال سجود و گاهی در حال قیام است [و با شب خیزی خویش نشان می‌دهد که] از آخرت ترسان و به رحمت پروردگارش

۱- منسوب به شهید اول (رحمة الله عليه)، شهداء الفضيلة، صفحه‌ی ۸۷.

۲- سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۹.

امیدوار است [آیا این بنده‌ی مداوم بر طاعت خدا به هنگام شب، بهتر است یا آن کافر پیش گفته در آیات پیشین]؟

بگو (و از وجدانشان داوری بخواه ای پیامبر که) آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که حقایق را می‌فهمند و کلام حق را می‌پذیرند. از تدبّر در آیه‌ی شریفه، استفاده می‌شود که شب‌زنده‌داران به طاعت حق، از مصادیق بسیار روشن دانایان و در شمار اولوالالباب هستند؛ چه آن که، آنان در مکتب تربیتی اسلام و قرآن، از مراحل قشری حیوانی گذشته و در عالم انسانیت دارای لب و مغز شایسته‌ی یک انسان به معنای واقعی کلمه‌ی انسان گشته‌اند و با پی بردن به مبدأ و منتهای هستی و عشق ورزیدن به کل الکمال و سعی در تحصیل سعادت جاودانه‌ی دارالبقاء، عالی‌ترین میوه‌ی درخت عالم آفرینش را به دست آورده‌اند و به یقین لایق آن شده‌اند که در زمره‌ی مغزداران عالم به محفل انس با حضرت معبود راه یابند و با لب و مغز وجود آشنا شوند و با وی به مناجات و گفتگو بنشینند.

وَ كَفَىٰ بِذَلِكَ عِزًّا وَ شَرَفًا.

شب مردان خداروز جهان افروز است

روشان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

چنان که از امام صادق علیه السلام منقول است:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَوَتُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ كَفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ.^۱

۱- بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه‌ی ۱۴۱، حدیث ۱۰ (نقل از "خصال" صدوق).

شرف مؤمن نماز او در شب است و عزّت او خودداری از آزار مردم است.

همچنین از رسول خدا ﷺ منقول است:

أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ أَصْحَابُ اللَّيْلِ.^۱

شرافتمندان پرافتخار امت من حاملان قرآن و یاران شبند [گروه معلّم و مروّج علوم

قرآنی و گروه شب زنده داران به عبادت حق].

نیز در حدیث دیگری از رسول گرامی ﷺ روایت شده است که جبرئیل علیه السلام

گفت:

وَ اعْلَمُ أَنَّ شَرَفَ الرَّجُلِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَائُهُ عَنِ النَّاسِ.

بدان که شرف مرد قیام اوست در شب [برای عبادت] و عزّت او بی نیازی اوست از مردم.

آری، دانایان واقعی جهان همان گروه تکامل یافته در عرفان خدا و مشتاقان انس با

خالق بی همتا هستند که از نظر قرآن شریف، از حیث شرف و ارزش انسانی هیچ گاه با

دیگران هم سطح و مساوی نمی باشند. هر چند دیگران، در علوم و فنون مختلف، به

عالی ترین درجات تخصص علمی و صنعتی رسیده باشند؛ اما چون از "مغز عالم"

بی خبرند و جز ارضای خواهش های حیوانی خویش اهتمام دیگری ندارند، از دیدگاه

قرآن، پوست های بی مغز و درخت های بی ثمری هستند که جز برای سوختن در آتش

انقطاع از خدا به کار دیگری نمی خورند و جز جهنّم مناسب با جای دیگری نمی باشند.

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۳۸، حدیث ۶ (نقل از "امالی" صدوق).

...أَوْلَيْكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^۱

اگر چه این آیه‌ی شریفه از نظر ارائه‌ی ارزش "علم" اطلاق دارد و ظاهراً تمام دانشمندان و صاحبان هر نوع از انواع علوم را می‌ستاید؛ ولی با توجه به مورد خاص آیه که مربوط به «قائتِ آناءِ اللیل» و ساجد و قائمی است که:

يَخْذِرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ.

و نیز با توجه به معیار قرآنی شرف و کرامت انسان در نزد خدا که:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ.^۲

به یقین، آیه‌ی شریفه، تنها گروه مؤمن و متعهدی را در برمی‌گیرد که بر اساس ایمان و اعتقاد قطعی به مبدأ و معاد، ترس از عقاب و امید به ثواب در جانشان نشسته است و بر پایه‌ی این بیم و امید، از راحت و آسایش شب، پهلو تهی کرده و به نماز ایستاده‌اند و در حال سجود و قیام با حضرت ربّ به راز و نیاز و عرض ادب پرداخته‌اند. به نیمه شب که همه مست خواب خوش باشند

من و خیال تو و ناله‌های درد آلود

اما، حیوان‌های دو پای انسان‌نمایی که نه ایمانی به خدا دارند، نه ترسی از حساب

روز جزا، و طبعاً آلوده به گونه‌های مختلف گناهان هستند و دور از کرامت تقوا، اینان

مَثَلشان در بیان قرآن:

۱-سوردهی بقره، آیه‌ی ۳۹.

۲-سوردهی حجرات، آیه‌ی ۱۳، یعنی گرامی‌ترینتان نزد خدا، پرهیزکارترین شماست.

كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا^۱.

یا:

... كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ...^۲

هر چند همینان، از نظر تحقیقات علمی موی را بشکافند و اتم را بشکنند و از حیث فراوانی اطلاعات در فنون مختلف دانش کتابخانه‌ای متحرک باشند.

البته باز هم به فرموده‌ی قرآن کریم:

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوِيَهُ...^۳

همین دانشمندان و ارباب علوم اگر حریر صانه به زمین و آرایش‌های زمینی رو نمی‌آوردند و از هوای نفس پیروی نمی‌کردند، از راه همان علمی که داشتند، آسمانی می‌شدند و رفعت الهی می‌یافتند؛ اما بر اثر إخلاد الی الارض و گرایش تام و دل‌بستگی مطلق به زیورهای زمینی و اتباع هوی ارزش علمی خود را از دست داده و از جرگه‌ی اولوالاباب و الذّین یعلمون اخراج شده‌اند.

حیوان صفتان کجا و انسان آگاه از مبدأ و منتهای جهان کجا؟

آری، جدّاً نمی‌توان نام عالم و دانا بر یک مشت موجودات پلید و ددمنشی نهاد

۱- سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۵، یعنی مانند چارپایی است که بار کتاب‌هایی بر دوش کشد.

۲- سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷۶، یعنی: هم چون سگ [هار] است که اگر به او حمله‌کنی، دهانش را باز می‌کند و زبانش را بیرون می‌آورد و اگر او را به حال خود واگذاری [باز] دهانش را باز می‌کند و زبانش را بیرون می‌آورد.

۳- سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷۶، یعنی: و اگر می‌خواستیم [مقام] او را با این آیات [و علوم و دانش‌ها] بالا می‌بردیم؛ ولی او [به سوء اختیار خود] به پستی گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد.

که در پرتو نور علم به باریک‌ترین راه‌های فساد و جنایت پی برده‌اند و هم چون دزدی چراغدار به انبار پر از کالای بشری زده‌اند و ظالمانه در پوشش عنوان مقدّس دانشمند و روشنفکر چنان در وادی هر نوع فسادانگیزی و انسان‌سوزی می‌تازند که به‌راستی نمی‌توان هیچ جانور خونخوار کثیفی را هم با آن پلیدان، هم دوش و برابر دانست، تا چه رسد به آن که نام مقدّس انسان بر آنان نهاد.

در دنیای کنونی ما، بشر از نظر علوم مادّی و دانش‌های متداول عصری به درجه‌ی والایی رسیده، ولی آنچه در همین دنیای سراسر علم و فرهنگ (به اصطلاح زمان) دیده نمی‌شود و حتّی بویی از آن نیز به شامه‌ی آدم‌شناسان نمی‌رسد، همانا آدمیّت است و انسانیت، شرف است و تقوا و فضیلت و به عکس، آنچه در همه جا مشهود است، دزدی و غارتگری، ظلم و بیدادگری، جنگ و خونریزی، اسلحه‌سازی و انسان‌کشی و خلاصه، درّندگی است و ددمنشی. در یک چنین شرایطی فریاد بلند قرآن کریم شنیده می‌شود که:

...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ^۱.

آیا خداشناسان مؤمن به روز حساب با ملحدان منکر پاداش و عقاب برابرند؟!

آیا بندگان خدا با بردگان هوا یکسانند؟

أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ^۲.

۱-سوردهی زمر، آیه‌ی ۹.

۲-همان.

آیا آن دسته از بیدار دلانی که چنان نور ایمان به پروردگار جهان و خوف از حساب روز جزا در جانشان نشسته است که نیمه شبان، آن دم که بی خبران از رمز وجود در بسترهای نرم و گرم خویش آرمیده‌اند یا در مجامع ننگین فسق و فجور و آلوده به انواع پلیدی‌های حیوانی، عربده‌های مستانه سرداده‌اند، در همان ساعات شب، آن مردان خدا با دلی روشن و جسم و روحی پاک، سر به خاک بندگی نهاده‌اند و اشک ریزان و زاری کنان از منبع علم و قدرت و حکمت عالم مدد می‌طلبند و از این راه، عزت و شرف هر دو جهانی به دست می‌آورند.

انصاف بدهید آیا این دو دسته ممکن است در محکمه‌ی عقل و وجدان انسان و خالق انسان، با هم مساوی باشند؟

نه، به جان دوست سوگند که بین این دو گروه از «زمین» تا «آسمان»، از «ثری» تا به «ثریا»، از «لجن» تا به «خدا» و سرانجام از «جهنم» تا به «بهشت» فاصله است:

...إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ!

یکی از ویژگی‌های "عباد الرحمان" برپا داشتن نماز شب است

وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ... وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا.^۲

بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که [از جمله صفاتشان این که] شب را به روز

می‌آورند، در حالی که برای پروردگارش در حال سجده و در حال قیامند.

۱-سوردهی رعد، آیه‌ی ۱۹.

۲-سوردهی فرقان، آیات ۶۳ و ۶۴.

عارفان مقام رحمانیت که خود را غرق در انواع مواهب حضرت رحمان می بینند، در تمام لحظات عمر، احساس وظیفه‌ی شکر و سپاس به حضور اقدس او می کنند؛ لذا مناسب ترین اوقات را، که ساعات خلوت شب است، اختصاص به این برنامه‌ی انسانی خویش می دهند.

بیتون لربهم سجداً و قیاماً.

کمان سازند آنان سرو قامت	ز شوق طاعت و خوف قیامت
جبین ماه را بر خاک سایند	به سجده ذات سبحان راستایند
که ایزدشان به لطف خود کند شاد	شوند از آتش قهر وی آزاد

شب زنده داران در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام

طُوبَى لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلَىٰ رَبِّهَا فَرَضَهَا وَ عَرَكَتْ بِجَنْبِهَا بُؤْسَهَا وَ هَجَرَتْ فِي
 اللَّيْلِ غُمُضَهَا حَتَّىٰ إِذَا غَلَبَ الْكُرَىٰ عَلَيْهَا أَفْتَرَشَتْ أَرْضَهَا وَ تَوَسَّدَتْ كَفِّهَا فِي
 مَعَشَرَ أَسْهَرِ عَيُونِهِمْ خَوْفٌ مَعَادِهِمْ وَ تَجَافَتْ عَنْ مَضَاجِعِهِمْ جُنُوبُهُمْ وَ هَمَّهَمَتْ
 بِذِكْرِ رَبِّهِمْ شَفَاهُهُمْ وَ تَقَشَّعَتْ بِطُولِ اسْتِغْفَارِهِمْ ذُنُوبُهُمْ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ؛ أَلَا إِنَّ
 حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.^۱

خوشحال کسی که آنچه خدا بر وی واجب کرده ادا کند؛ تن به شدا بد دهد و از تحمل سختی‌ها پهلو تهی نکند و شب هنگام از خواب دوری گزیند تا وقتی که خواب بر وی غالب

۱- نهج البلاغه‌ی فیض، نامه‌ی ۴۵.

شود؛ آنگاه، زمین را بستر و دست خود را بالش قرار دهد. در جرگه‌ی آنانی باشد که ترس و نگرانی بازگشتشان [به روز رستخیز] چشم‌هاشان را بیدار داشته و پهلوهانشان از خوابگاه‌هایشان دوری جسته و لب‌هاشان به یاد پروردگارشان به صدای آهسته و مبهم مشغول است. گناهان اینان بر اثر استغفار مداومشان پراکنده [و هم چون ابرهای سیاه آسمان متلاشی] گردیده است. به فرموده‌ی قرآن کریم:

...أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.^۱

...آنانند حزب خدا و به راستی که حزب خدا همان رستگارانند.

مرحبا قومی که داد بندگی را داده‌اند

ترک دنیا گفته‌اند و از همه آزاده‌اند

روزها با روزه‌ها نار هوس بنشانده‌اند

باز شب‌ها در مقام بندگی استاده‌اند

نفس خود را قهر کرده، روح را داده فتوح

زاد تقوا بر گرفته بهر مرگ آماده‌اند

طَرَفَةُ الْعَيْنِ نبوده غافل از حضرت ولیک

سیل‌ها با آن همه از چشم‌ها بگشاده‌اند

یک زمان از نوحه هم چون نوح غافل نیستند

گویا خود در جهان از بهرزاری زاده‌اند

۱-سوردهی مجادله، آیه‌ی ۲۲.

شعله‌ای دیدند و انسی یافتند از عشق آن

جمله شب در کنج خلوت بر سر سجاده‌اند

رَبَّنَا گویند و زو لَبَّيْكَ عَبْدی بشنوند

جمله سرمست الست از جرعه‌ی آن باده‌اند

تابه دنیا آمدند از کلیه و کتم عدم

سوی حضرت جز نیاز و ناله نفرستاده‌اند

پیر انصاری تومی دانی که ایشان کیستند

فرقه‌ی بی کَر و فرّ و زمره‌ی دل ساده‌اند^۱

توصیه‌ی رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در مداومت بر نماز شب

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ: كَانَ فِي وَصِيَّةِ

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ فَاحْفَظْهَا ثُمَّ

قَالَ: اللَّهُمَّ أَعِنُّهُ إِلَى أَنْ قَالَ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ

بِصَلَاةِ اللَّيْلِ.^۲

معاویه بن عمار می گوید از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که فرمود: پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در

وصیتش به علی عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: ای علی، به تو سفارش می کنم که همواره اعمالی را انجام

دهی، آنگاه فرمود: خداوندا، یاری اش فرما! تا آن جا که سخن آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اینجا رسید

۱- خواجه عبدالله انصاری.

۲- وسائل الشیعة، جلد ۵، ابواب بقیة الصلوات المندوبة، باب ۳۹، حدیث ۱.

که فرمود [و بر تو است خواندن نماز شب، و بر تو است خواندن نماز شب، و بر تو است خواندن نماز شب] یعنی، جداً مراقب نماز شب باش و از ترک آن بپرهیز [.

این بیان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با توجه به تکرار جمله‌ی «وَعَلَيْكَ بِصَلْوَةِ اللَّيْلِ» آن هم ضمن دعا و یاری طلبی از خدا تا علی عليه السلام را در حفظ این دستور یاری فرماید، روشنگر شدت اهمیت این نماز از نظر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عظمت تأثیر آن در حیات معنوی انسان است.

نشاط روحی انسان در نماز شب

قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ مِنْ رُوحِ اللَّهِ تَعَالَى ثَلَاثَةً: أَلْتَهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَ أَفْطَارُ الصَّائِمِ وَ لِقَاءُ الْإِخْوَانِ.^۱

راوی حدیث گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: از جمله‌ی اموری که خدا آنها را وسیله‌ی شادمانی روح و نشاط قلبی مؤمن قرار داده، سه چیز است: شب برای نماز از خواب برخاستن، روزه را به پایان رساندن و افطار کردن و به دیدار برادران ایمانی رفتن.

کیفیت نماز شب به صورت آسان و مختصر

نماز شب، که پس از نیمه شب به جا آورده می شود، در مجموع یازده رکعت^۲ است؛

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۴۳، حدیث ۱۵ (نقل از امالی طوسی).

۲- اگر دید می شود که در بعضی روایات، سیزده رکعت ذکر شده، به علت ملحق کردن دو رکعت نافله‌ی فجر به نماز شب است؛ چنان که در این روایت چنین آمده:

«صَحِيحُ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رُكْعَتَيْ الْفَجْرِ قَبْلَ الْفَجْرِ أَوْ بَعْدَ الْفَجْرِ؟ فَقَالَ: قَبْلَ الْفَجْرِ؛ إِنَّهُمَا مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ؛ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً صَلَاةَ اللَّيْلِ».

زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم دو رکعت فجر قبل از فجر است یا بعد از آن؟ فرمود: قبل از فجر است و آن دو رکعت ←

هشت رکعت آن تحت عنوان «نافله‌ی شب» به صورت چهار نماز دو رکعتی، و دو رکعت دیگر به نام «نماز شفع»^۱ و یک رکعت آخر به عنوان «نماز وتر» انجام می‌پذیرد.

از ویژگی‌های نوافل، یعنی نمازهای مستحبی، این است که انسان حتی در حال اختیار هم می‌تواند آنها را نشسته یا در حال راه رفتن (پیاده یا سواره) به جا آورد^۲ و رکوع و سجودشان را هم به اشاره انجام دهد. همچنین، به خواندن حمد تنها، بدون سوره^۳ و قنوت، نیز می‌تواند اکتفا کند.

بنابراین، خواندن نماز شب که ثواب و فضیلت شگفت‌انگیز دارد، بسیار آسان است و حتی از خواندن نماز صبح هم آسان‌تر است؛ زیرا در نماز صبح، دست کم ایستادن و خواندن یک سوره از قرآن و استقرار بدن واجب است، اما در نافله‌ی شب ایستاده بودن و خواندن سوره و استقرار بدن واجب نیست؛ بلکه می‌توان آن را نشسته یا در حال راه رفتن به جا آورد و به خواندن حمد نیز اکتفا کرد.

البته، رعایت یک سلسله آداب مستحب و خواندن دعاها و ذکرهایی در مقدمات، مقارنات و تعقیبات این نماز توصیه شده، ولی باید توجه داشت که این امور زاید بر اصل نماز بوده و مستحب در مستحب است و اگر به جا آورده شود، اجر

۱- نماز شب است و نماز شب، سیزده رکعت است (تهذیب، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۳، حدیث ۵۱۳).

۲- در روایات، از سه رکعت آخر اغلب به «وتر» تعبیر شده است (وسائل الشیعه، جلد ۳، ابواب اعداد الفرائض و نوافله؛ باب ۱۵، حدیث ۹ و ۱۰) ولی در اصطلاح فقها، دو رکعت ماقبل آخر «شفع» و یک رکعت آخر «وتر» است.

۳- العروة الوثقی، چاپ آخوندی، صفحه‌ی ۶۶ از کتاب الصلوة، صفحه‌ی ۳۲۷، جمیع الصلوات المندوبه یجوز اتیانها جالساً اختیاراً و کذا ما شیاً و راکباً.

۳- همان، مسأله‌ی ۷.

دیگری خواهد داشت.

جای بسی تعجب و تأسف است که بسیاری از اهل ایمان، به تصوّر دشواری این عبادت بسیار آسان، در به جا آوردن آن سستی می‌ورزند و در نتیجه، خود را از ثواب‌های عظیم و درخشان آن محروم می‌کنند.

راهزنی شیطان خبیث!

یکی از شیوه‌های راهزنی شیطان این است که با دشوار نشان دادن عمل نیک، آدمی را دلسرد و بی‌رغبت و بی‌نشاط می‌گرداند و در نتیجه، او را از رسیدن به فیض عظیم آن باز می‌دارد.

مثلاً، به خاطر او می‌اندازد که چه کار دشواری است یازده رکعت نماز، آن هم در دل شب، با آن همه ذکر و دعا! چه سخت است بر خاستن از رختخواب و خروج از منزل و به مسجد رفتن! بعد هم قرائت سوره‌هایی مخصوص از قرآن در حال نماز و ایستادن به قنوت طولانی در نماز وتر و گفتن هفتاد بار استغفار، سیصد بار العفو، دعا به چهل مؤمن و بالاخره، سجده‌های مکرر و تعقیبات مفصل بعد از نماز و...!

آنگاه می‌گوید: ای بیچاره‌ی مسکین، تو کجا می‌توانی نمازی با این همه طول و تفصیل بخوانی؟! این کار، کار زاهدان و عابدان فارغ از امر معاش است، نه تو آدم گرفتار پای بند عیال که در طول روز باید جان بکنی و شب باید بخوابی!

خلاصه، شیطان خواندن این نماز را چنان دشوار، پیچیده، دست و پاگیر و مخلّ

آسایش انسان نشان می‌دهد که نمازخوان را مأیوس و منصرف از عمل می‌سازد؛ طوری که دیگر هوس نماز شب خواندن به دل راه ندهد و نامی از آن به زبان نیاورد. در صورتی که این آداب و دعاها و ذکرها، اگر چه منقول از ناحیه‌ی امامان معصوم علیهم‌السلام است، اما چنان که گفتیم اینها، مستحبات دیگری اضافه بر اصل نماز و هم چون زیورآلاتی بر پیکر انسان زیباست که بر زیبایی ذاتی وی می‌افزاید.

البته اگر کسی حال و نشاط و وقت وسیعی داشت، نماز را با آن مقدمات و مقارنات و تعقیبات می‌خواند و به اجر عظیم‌تری هم می‌رسد؛ وگرنه، همان اصل نماز را (که شاید بیش از ده دقیقه هم وقت نگیرد) به جامی آورد و قطعاً به ثواب‌های عظیمی که برای نماز شب مقرر شده است می‌رسد. پس هیچ‌گاه نباید به وسوسه‌های شیطان راهزن اعتنا کرد که می‌گوید: اگر انسان نماز شب می‌خواند، باید آن را با تمام آداب و شرایط کمالش بخواند وگرنه خواندن نماز بی‌سوره، بی‌دعا، بی‌قنوت چه فایده دارد؟ البته، هدف شیطان معلوم است و جز محروم ساختن انسان از فیض عبادت همی ندارد و برای نیل به این هدف، ابتدا می‌کوشد عبادت و کار انسان را در نظر وی کوچک و بی‌ارزش جلوه دهد تا رغبت اشتیاق به عمل در دل او به وجود نیاید و با ترک آن، از فیض عبادت محروم گردد.

اگر انسان به وسوسه‌ی شیطان اعتنا نکرد و اقدام به عمل نمود و این بار از راه دیگری وارد می‌شود و آن عمل را در نظر آدمی بسیار بزرگ و عبادتی کامل، ارزنده و کم‌نظیر

جلوه می دهد تا آن چه از کمالات روحی بر اثر عبادت به دست آورده، در آتش خودبینی بسوزاند و او را به تهی دستی از فیض اخلاص در عبادت دچار گرداند. لذا، بر انسان است که به این نقشه‌ی شیطنت بار آن دشمن پلید توجه کامل داشته باشد و به عکس آن عمل کند؛ یعنی پیش از عبادت، از آن نظر که عبادت دستور پروردگار علیم حکیم است، آن را بسیار بزرگ، ارزنده و عاملی کاملاً مؤثر در حیات و سعادت جاودانی خویش بداند (چنان که در واقع نیز چنین است، زیرا اگر مثلاً نماز شب بی سوره و بی قنوت و عاری از دیگر مستحبات تأثیر و فایده‌ای نداشت، چگونه خداوند حکیم به آن امر مؤکد کرده و آن را منشأ آن همه آثار بزرگ نشان داده است)؟

اما بعد از انجام عمل، انسان باید عبادتش را از آن نظر که کار خودش است، کوچک، کم ارزش، ناقص و معیوب به حساب آورد و از قصور و تقصیر خود در پیشگاه خدا به پوزش خواهی و آمرزش طلبی برخیزد و جداباً به حقارت و کم ارزشی یابی ارزشی کار خویش اعتراف کند (چنان که در واقع نیز چنین است، زیرا یک کاره دقیقه‌ای که با چند حرکت کوتاه بدن به نام رکوع و سجود انجام می شود، قابل ذکر و توجه نیست، تا چه رسد به این که انسان در مقابل آن از خدا طلبکار بهشت و حور و قصور باشد)!

آری، این از لطف و بزرگواری کریمانه‌ی حضرت حقّ است که به حکم:

يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ^۱

عمل کوچک را اجر بزرگ می دهد و آثاری ارزشمند بر کاری کم ارزش

۱ از جملات دعایی است که در ماه رجب پس از نمازها خوانده می شود؛ یعنی: ای کسی که در مقابل کار اندک اجر بسیار می دهی.

مترتب می گرداند و این نه مربوط به ارزش ذاتی آن عمل است و نه منوط به قدر و منزلت شخصی آن عامل، بلکه:

...ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ^۱

سنت خداوند کریم: اعطای کثیر به قلیل

آن مدبرِ علیم قدیری که به یک حبه‌ی گندم رفته در دل خاک حیات می‌بخشد و آن را می‌رویاند و از درون آن، هفت خوشه و در هر خوشه‌ای صد دانه‌ی گندم به وجود می‌آورد و نطفه‌ی عاری از هرگونه کمالی را که قطره‌ی آب پستی بیش نیست، به انسانی متفکر و فعال تبدیل می‌کند و انواع کمالات گوناگون را، از شنوایی و بینایی و گویایی و امثال آن، به وی می‌بخشد، همان مدبرِ علیم و قدیر است که به «اعمال» به ظاهر مرده و کوچک انسان روح می‌بخشد و از آن، نعمت‌های بی‌حد و حصر بهشتی به وجود می‌آورد.

خداوند متعال در قرآن کریم برای برطرف ساختن شبهه از ذهن‌های ما

دیرباوران می‌فرماید:

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿۱﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿۲﴾... أَفَرَأَيْتُمْ مَا

۱-سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۶.

۲- اشاره به آیه‌ی ۲۶۱ سوره‌ی بقره است که می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»:
وصف کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه یک صد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس که بخواهد، دو یا چند برابر می‌کند و خدا ادر رحمت و قدرت اوسیع و داناست.

تَخْرُثُونَ ﴿۱﴾ أَ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿۲﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا... ۱

آباد دیده‌اید آن چه در رحم‌های زنان می‌ریزید [در باره‌ی نطفه و منی اندیشیده‌اید] یا می‌توانید خبر دهید که آیا شما آن را به صورت انسان می‌آفرینید، یا ما آفریننده‌ی آن هستیم؟! آیا دیده‌اید آن چه در دل خاک می‌کارید یا می‌توانید خبر دهید که آیا شما آن را می‌رویانید، یا ما رویاننده‌ی آن هستیم؟ اگر بخواهیم آن را می‌خشکانیم و گیاهی خشک و خرد شده‌اش می‌سازیم.

یعنی، از همین نظام جاری در عالم پی ببرید که نه شما تبدیل‌کننده‌ی «عمل» به نعمت‌های بی‌پایان بهشتی هستید تا به خود بیالید و نه این خاصیت ذاتی کار شماس است تا به آن بنازید یا احیاناً، در صحت آن اثرگذاری عجیب، به شک و تردید و اضطراب بیفتید؛ بلکه این آفریننده و پروردگار بخشنده‌ی شماس است که به فضل و کرم با شما رفتار می‌کند و اعمال اندک‌تان را به جهانی بس عظیم از جنت نعیم مبدل می‌سازد.

خدا - جلّ جلاله و عظم شأنه - دأب و دیدنش همین است و سنت همیشگی‌اش در عالم بر اساس اعطاء الكثير بالقلیل استوار است. در همین عالم طبیعت هم، با وجود محدودیتی که در سرشت خود دارد، می‌بینیم که او یک حبه‌ی گندم از ما می‌گیرد و هفتصد دانه‌ی گندم به ما بر می‌گرداند. تخمه‌ی هندوانه‌ای را می‌گیرد و ده هندوانه با صدها تخمه در میان تحویل می‌دهد. درخت گردویی با ده هزار گردو را از یک هسته به ما می‌بخشد.

در عالم معنا نیز، قرآن حکیم یک شب قدر را بهتر از هزار ماه می‌داند^۱ و آثار اعمال یک عمر متجاوز از هشتاد سال^۲ را بر عمل یک شب مترتب می‌سازد. یا در قصه‌ی بنی اسرائیل، گفتن یک کلمه‌ی حِطَّة و به جا آوردن یک سجده را سبب آمرزش کلّ خطیئات و موجب افزایش موهبات معرفتی می‌کند و می‌فرماید:

... وَ قُولُوا حِطَّةً وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ^۳.

... بگوید حِطَّة [کلمه‌ی استغفار است] و از در بیت المقدس با حال سجده [رکوع و خضوع تمام] وارد شوید که اگر چنین کنید، گناهان شما را می‌بخشیم و نیکوکاران را پاداش افزون می‌دهیم.

آری، عمل کوچک است، اما اثر آن بزرگ است و این از لطف خداوند کریم است.

تمثیل یکی از علما در این باب^۴

موضوع اثر بخشی اعمال به ظاهر کوچک که آثاری بزرگ بر آن مترتب می‌شود، مانند فشردن کلید اصلی برق است که از حیث عمل بسیار کوچک و ناچیز است، اما از حیث اثر بسیار بزرگ است و گاه موجب روشن شدن یک شهر می‌شود. لذا، نه به عذر کوچکی عمل می‌شود به آن بی‌اعتنا شد و از انجام دادن آن

۱- اشاره به آیه‌ی سَم سورده‌ی قدر است که: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».

۲- هزار ماه معادل با ۸۳ سال و ۴ ماه است.

۳- سورده‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۶۱.

۴- مرحوم آیت الله سیداحمد زنجانی، در کتاب الکلام بجز الکلام، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰.

خودداری کرد و نه به جهت بزرگی اثر می توان به کار خود تبختر ورزید و مثلاً، روشن شدن شهر را به حساب هنر و کاردانی خود گذاشت؛ زیرا، سبب روشن شدن شهر دستگاه مولد برق است، نه کاردانی من که با سرانگشت خویش شستی رافش کرده و دستگاه را به کار انداخته‌ام.

در نماز شب نیز آن چه مربوط به انسان است، یک سلسله حرکات ساده‌ی بدنی است که با خم و راست شدن و قیام و قعود تحقّق می پذیرد، که در حد ذات خود، دارای هیچ نوع اثر ارزنده‌ای نیست. اما آن درجات عظیم بهشتی و مقامات قرب الهی که بر این عمل ساده و آسان مترتب می شود، معلول لطف و کرم و فضل و احسان بی پایان خداوندی است که حدّ و حصری ندارد و استبعاد و استغراب بر نمی دارد، چنان که فرمود:

...إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ^۱.

تعجیل در نوافله‌ی شب نیز جایز است

چنان که گفتیم، وقت نماز شب در فاصله‌ی بین نصف شب تا طلوع فجر (و افضل آن، وقت سحر، یعنی یک سوّم یا یک ششم آخر شب است). ولی، با توجه به اهمیّت فوق العاده‌ای این عبادت بزرگ، شرع مقدّس اجازه‌ی تعجیل در آن (یعنی به جا آوردن آن پیش از وقت مقرّر) را در بعضی موارد صادر کرده است. مثلاً، مسافری که بر اثر رنج و خستگی سفر، بیدار شدن در آخر شب بر وی دشوار

۱-سوردهی آل عمران، آیه‌ی ۳۷.

است، یا جوانی که خوف جنب شدن در خواب و سپس متمکن نبودن برای غسل دارد، یا می ترسد اصلاً بیدار نشود، یا کسی که به علت پیری یا بیماری و شدت سرمای هوا و هرگونه عذری و نظایر اینها، خوف دارد که مبدا نتواند نماز بعد از نیمه شب را به جا آورد، می تواند نماز شب را قبل از نیمه شب به جا آورد؛ البته به نیت تعجیل و تقدیم، نه به نیت ادا.^۱

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

إِذَا حَشِيَتْ أَنْ لَا تَقُومَ آخِرَ اللَّيْلِ أَوْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ أَوْ أَصَابَكَ بَرْدٌ فَصَلِّ صَلَاتَكَ وَ أَوْتِرْ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ.^۲

هر گاه بیمناک بودی که مبدا آخر شب به نماز برنخیزی، یا به مرضی مبتلا شوی یا سرمای هوا به تو آسیب رساند، نماز خود را در ابتدای شب بخوان و نافله‌ی و تر [سه رکعت شفع و وتر] را به جا آور.

قضای نماز شب، از تعجیل در آن بهتر است

اگر کسی احتمال دهد که نمی تواند نماز شبش را به وقت بخواند، ولی مطمئن باشد که می تواند قضای آن را بخواند، قضا بر تعجیل برتری دارد.^۳

راوی از امام باقر یا امام صادق علیه السلام می پرسد: مردی نماز شب خوان است، ولی چه بسا یک یا دو یا سه شب بر او می گذرد و موفق به بیدار شدن نمی شود. حال، اگر

۱- العروة الوثقی، کتاب الصلوة، فصل ۳، فی اوقات الزواتب (به مسأله‌ی ۸ و ۹ رجوع شود).

۲- وسائل الشیعه، جلد ۳، کتاب الصلوة، ابواب المواقیت، باب ۴۴، حدیث ۱۲.

۳- العروة الوثقی، کتاب الصلوة، فصل ۳، فی اوقات الزواتب، مسأله‌ی ۱۰.

نافله اش راقضا کند، بهتر است یا آن که تعجیل کند و آن را در اوّل شب به جا آورد؟

حضرت پاسخ می دهد:

لَا بَلْ يَقْضَىٰ وَإِنْ كَانَ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً.^۱

نه [تعجیل نکنند] بلکه قضا می کند؛ اگر چه سی شب باشد.

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

قَضَاءُ صَلَاةِ اللَّيْلِ بَعْدَ الْعَدَاةِ وَ بَعْدَ الْعَصْرِ مِنْ سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ الْمُخْزُونِ.^۲

قضای نماز شب پس از صبح و بعد از عصر، از سرّ مخزون آل محمد است.

نیز از آن حضرت در ضمن حدیثی نقل شده است:

إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي بِالْعَبْدِ يَقْضِي صَلَاةَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ يَقُولُ: مَلَائِكَتِي عَبْدِي

يَقْضِي مَا لَمْ أَفْتَرِضْهُ عَلَيْهِ إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهُ.^۳

خدا به بنده ای که نماز شب را در روز قضا کند مباحثات می کند و می فرماید: ای فرشتگان من!

بنده ای من چیزی را قضا می کند که بر او واجب نکرده ام؛ گواه باشید که من او را آمرزیدم.

روایاتی در باب تشویق و ترغیب به نماز شب

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ مِنْ لَدَيْهِ مَضْجَعِهِ وَ النَّعَاسُ فِي عَيْنَيْهِ لِيُرِيَّ

رَبَّهُ - جَلَّ وَ عَزَّ - بِصَلَاةِ لَيْلِهِ، بَاهَى اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ؛ فَقَالَ أَمَا تَرَوْنَ عَبْدِي هَذَا قَدْ قَامَ

۱- وسائل الشیعه، جلد ۳، کتاب الصلوة، ابواب المواقیت، باب ۴۵، حدیث ۵.

۲- همان، حدیث ۴.

۳- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۲۰۲، حدیث ۱۰ (نقل از ذکری).

مِنْ لَذِيذِ مَضْجَعِهِ إِلَى صَلَاةٍ لَمْ أَفْرُضْهَا عَلَيْهِ؛ إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهُ.^۱

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که: هرگاه بنده از خوابگاه لذت بخش خویش برای گزاردن نماز شب و به منظور جلب رضای خدایش بر خیزد، در حالی که بقایای خواب در چشمانش هست، خدا به فرشتگانش مباحث می کند و درباره ی او می فرماید: آیا نمی بینید این بنده ام را که از خواب لذیذ خود دست برداشته و به گزاردن نمازی که بر او واجب نکرده ام برخاسته است؟ گواه باشید که من او را مشمول بخشش قرار داده ام.

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه ای، پس از حمد و ثنای پروردگار و بیان مطالبی چند فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ، عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ؛ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ! كَابِدُوا اللَّيْلَ بِالصَّلَاةِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا يَكْفُرْ سَيِّئَاتِكُمْ.

إِنَّمَا مَثَلُ هَذِهِ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ مَثَلُ نَهْرٍ جَارِيٍّ بِيَدِي بَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ فِي الْيَوْمِ خَمْسَ اغْتِسَالَاتٍ فَكَمَا يُنْقَى بَدَنُهُ مِنَ الدَّرَنِ بِتَوَاتُرِ الْغَسْلِ فَكَذَا يُنْقَى مِنَ الذُّنُوبِ مَعَ مُدَاوَمَةِ الصَّلَاةِ فَلَا يَبْقَى مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْءٌ.

أَيُّهَا النَّاسُ مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَهُوَ يُضْرَبُ عَلَيْهِ بِخَزَائِمٍ مَعْقُودَةٍ؛ فَإِذَا ذَهَبَ ثُلُثًا اللَّيْلِ وَبَقِيَ ثُلُثُهُ آتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ: قُمْ فَادْكُرِ اللَّهَ فَقَدْ دَنَا الصُّبْحُ.

قال: فَإِنَّهُ هُوَ تَحَرَّكَ وَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عَنْهُ عَقْدَةٌ وَإِنْ هُوَ قَامَ فَتَوَضَّأَ وَدَخَلَ

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۵۶، حدیث ۴۰ (نقل از غُذَّة الدَّاعِي).

فِي الصَّلَاةِ انْحَلَّتْ عَنْهُ الْعُقَدُ كُلُّهُنَّ فَيُصْبِحُ حِينَ يُصْبِحُ قَرِيرَ الْعَيْنِ.^۱

[ای مردم] ملازم نماز باشید، چون نماز ستون دین شماست. دشواری‌های نماز شب را

تحمل کنید و همواره به یاد خدا باشید تا گناهانتان را ببوشاند.

همانا این نمازهای پنجگانه، هم چون نهر آبی است که از مقابل خانه‌ی یکی از شما در

جریان باشد و او، روزی پنج بار، خود را در آن نهر بشوید. هم چنان که بدن او، بر اثر شستشوی

پی در پی، پاکیزه و عاری از چرک می‌گردد، قلب و روح شخص نماز خوان نیز، بر اثر مداومتش

بر نماز، از [چرک و آلودگی] گناهان، پاک می‌شود و چیزی از گناهان نمی‌ماند.

ای مردم، هر بنده‌ای [به هنگام خواب] با بندهایی محکم بسته می‌شود [استغراق در لذت

خواب به بندهایی تشبیه شده است که او را به بستر خواب می‌بندد] پس دو ثلث از شب که

گذشت و ثلث آخرش باقی ماند، فرشته‌ای به سراغ وی می‌آید و می‌گوید: برخیز و به یاد خدا

باش که صبح نزدیک شد!

سپس فرمود: اگر او تکان خورد و ذکر خدا گفت، بندی [از بندها] از وی گشوده

می‌شود و اگر برخاست و وضو ساخت و به نماز ایستاد، تمام بندها از وی گشوده می‌گردد و

سرانجام، داخل صبح می‌شود، در حالی که شادان و مسرور است [زیرا از بند شیطان جسته است].

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا كَانَ آخِرُ اللَّيْلِ يَقُولُ اللَّهُ - سُبْحَانَهُ - هَلْ مِنْ دَاعٍ

فَأَجِيبُهُ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَعْفِرٍ فَأَعْفِرَ لَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ

۱- بحار الانوار، جلد ۸۲، صفحه‌های ۲۲۲ و ۲۲۳، حدیث ۴۵ (نقل از مجالس مفید).

فَاتُوبَ عَلَيْهِ ۱.

رسول خدا ﷺ فرمود: چون آخر شب فرارسد، خداوند-سبحانه-فرماید: آیا

دعاکننده‌ای هست تا اجابتش کنم؟ آیا خواهنده‌ای هست تا خواسته‌اش را بدهم؟ آیا

استغفارکننده‌ای هست تا او را ببامرزم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي وَصِيَّتِهِ: يَا عَلِيُّ صَلِّ مِنَ اللَّيْلِ وَ لَوْ قَدَرَ
حَلَبُ شَاةٍ وَ بِالْأَسْحَارِ فَادْعُ فَإِنَّ عِنْدَ ذَلِكَ لَا تُرَدُّ دَعْوَةٌ؛ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ
الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ. ۲.

پیامبر اکرم ﷺ در وصیتش به علی بن ابی طالب فرمود: ای علی، قسمتی از شب را نماز

بخوان، اگر چه به اندازه‌ی دوشیدن گوسفندی باشد؛ و سحرگاهان دعا کن که در آن وقت دعایی

رد نمی‌شود؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

... وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ. ۳.

یعنی: استغفارکنندگان در سحرگاهان را مورد مدح و ستایش قرار داده و آنها را

در زمره‌ی بهشتیان به شمار آورده است.

حَافِظُوا عَلَيَّ صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِنَّهَا حُرْمَةُ الرَّبِّ، تُدِيرُ الرِّزْقَ وَ تَحْسِنُ الْوَجْهَ وَ
تَضْمَنُ رِزْقَ النَّهَارِ وَ طَوُّوا الْوُقُوفَ فِي الْوَتْرِ فَإِنَّهُ رُويَ مَنْ طَوَّلَ وَقُوفَهُ فِي الْوَتْرِ

۱- بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۶۷، حدیث ۹ (نقل از عُدَّة الدَّاعِي).

۲- همان، حدیث ۱۰ (نقل از مکارم الاخلاق).

۳- سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷.

قَالَ وَقُوفُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۱.

برنماز شب محافظت کنید که حرمت پروردگار است و روزی را فراوان نموده و صورت رانیکو می‌سازد و روزی روز را تضمین می‌کند. در نماز و تراستاندن را طولانی کنید، زیرا، هر که ایستادن در «وتر» را طولانی کند، ایستادنش در روز قیامت کم خواهد بود.

رعایت آدابی چند در قنوت نماز وتر

برخی مستحبات قنوت نماز وتر عبارت است از:

۱. طول دادن قنوت

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ أَطْوَلُكُمْ قُنُوتًا فِي الْوَتْرِ فِي دَارِ الدُّنْيَا، أَطْوَلُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْمَوْقِفِ ۲.

هر یک از شما قنوت وترش در دنیا طولانی تر باشد آسایش او در موقف قیامت طولانی تر است.

۲. هفتاد بار استغفار

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أَوْتَرَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَوَاطَبَ عَلَى ذَلِكَ حَتَّى تَمْضِيَ سَنَةٌ كَتَبَهُ اللَّهُ عِنْدَهُ مِنَ الْمُسْتَعْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ وَوَجِبَتْ لَهُ الْمَغْفِرَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در نماز وترش هفتاد بار بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۵۴، حدیث ۳۴ (نقل از فقه الرضا).

۲- وسائل الشیعه، جلد ۴، کتاب الصلوة، ابواب القنوت، باب ۲۲، حدیث ۱.

۳- همان، باب ۱۰، حدیث ۲.

إِيَّاهُ، و تا یک سال مواظبت بر این نماید، خدا نام او را به درگاه خویش از جمله‌ی "مستغفرین
بالاسحار" [آمرزیدگان سحرگهان] مکتوب فرماید و آمرزش خداوند عزّوجلّ بر او مسلّم گردد.

۳. هفت بار بگوید: هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ

قال: وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْتَعْفِرُ اللَّهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ يَقُولُ: هَذَا

مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، سَبْعَ مَرَّاتٍ^۱.

[امام صادق علیه السلام] فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نماز و تر هفتاد بار استغفار می نمود و

هفت بار می فرمود: "هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ" یعنی؛ این، جایگاه کسی است که از آتش به تو
پناه آورده است.

۴. سیصد بار بگوید: العفو العفو

قال: وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ علیه السلام يَقُولُ: الْعَفْوُ الْعَفْوُ ثَلَاثِمِائَةً

مَرَّةً فِي الْوَتْرِ فِي السَّحَرِ.^۲

[امام صادق علیه السلام] فرمود: علی بن الحسین، سید العابدین علیه السلام سحرگاه، در نماز و تر سیصد

بار "العفو العفو" می گفت.

۵. دست چپ را مقابل صورت نگاه داشته و با دست راست تعداد استغفار و

دیگر ذکرها را بشمارد:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً تَنْصِبُ يَدَكَ

۱- وسائل الشّیعه، جلد ۴، کتاب الصلوة، ابواب القنوت، باب ۱۰، حدیث ۴.

۲- همان، باب ۱۱، حدیث ۱.

الْيُسْرَى وَ تَعُدُّ بِالْيَمَنِى الْاِسْتِغْفَارِ ۱.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: در نماز و تر هفتاد بار استغفار کن؛ در حالی که دست چپ را بلند کرده و با دست راست تعداد استغفار را می شمری.

۶. دعا برای چهل مؤمن

هر چند این «ادب» از آداب و ویژه‌ی قنوت نماز وتر نیست، ولی مطلق بودن روایات در باب دعا شامل آن نیز می شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ فَدَعَا لَهُمْ ثُمَّ دَعَا لِنَفْسِهِ اسْتَجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَ فِي نَفْسِهِ. ۲

از امام صادق علیه السلام منقول است هرگاه کسی [در مقام دعا] چهل نفر از برادران [ایمانی] خود را مقدم دارد و نخست برای آنان و سپس برای خود دعا کند، دعای او، هم درباره‌ی آنها و هم درباره‌ی خودش، مستجاب می گردد.

تمجید خدا و صلوات نیز از آداب دعا است

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُعَيَّرَةِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِيَّاكُمْ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئًا مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ حَتَّى يَبْدَأَ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ الْمَدْحِ لَهُ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ. ۳

۱- وسائل الشیعه، جلد ۴، کتاب الصلوة، ابواب القنوت، باب ۱۰، حدیث ۵.

۲- همان، باب ۴۵، حدیث ۴.

۳- وسائل الشیعه، جلد ۴، ابواب الدعاء، باب ۳۱، حدیث ۱.

از حارث بن مغیره روایت شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ یک از شما نباید در مقام حاجت خواهی از خدا بر آید، مگر این که ابتدا به ثنا و مدح و تمجید خدا و صلوات بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته و آن گاه حاجت های خویش را بخواهد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّ الْمِدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ. فَإِذَا دَعَوْتَ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فَمَجِّدْهُ قُلْتُ: كَيْفَ أَمَجِّدُهُ؟ قَالَ: تَقُولُ: يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ.^۱

محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: در کتاب امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که ستایش [خدا] قبل از سؤال و تقاضاست. بنابراین وقتی خداوند - عز و جل - را می خوانی، تمجیدش کن. [راوی گوید:] گفتم چگونه تمجیدش کنم؟ فرمود: می گویی: ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک تری! ای آن که هر چه را که بخواهی انجام می دهی، ای کسی که بین انسان و قلبش حایل می شوی [یعنی از اندیشه ها و خواطر قلبی وی پیش از خودش با خبری، مالک هستی آویی و بر تمام وجودش احاطه داری] ای کسی که بر منظر اعلیٰ مستقری، ای کسی که چیزی همانند تو نیست.

عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ مَقْبُولَةٌ وَلَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَقْبَلَ بَعْضَ الدُّعَاءِ

۱- وسائل الشیعه، جلد ۴، ابواب الدعاء، باب ۳۱، حدیث ۳.

وَيُؤَدُّ بَعْضًا^۱.

ابان بن عثمان از امام صادق عليه السلام نقل کرده است که فرمود: هر گاه کسی از شما خواست دعا کند، دعای خود را با صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آغاز کند، زیرا صلوات بر پیامبر اکرم پذیرفته شود و [از طرفی هم] خدا چنین نیست که قسمتی از دعا را بپذیرد و قسمت دیگر آن را رد کند. استشفاع و توسل به اهل بیت عليهم السلام از اهمّ شرایط حرکت به سوی خداست به حکم آیه‌ی شریفه‌ی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ^۲.

وظیفه داریم برای تقرّب جویی به خدا و کسب برکات از منبع فیاض، وسیله و دستاویزی بیابیم و چنان که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عليهم السلام روایت شده، عالی‌ترین دستاویز برای رسیدن به قرب خدا و نیل به آن سعادت عظمی، ذوات مقدّسه‌ی اهل بیت رسالت و خاندان عصمت عليهم السلام می‌باشند که بدون عرض مودّت به آستان اقدس آن مقرّبان درگاه و بدون شفاعت خواهی و توسل به ذیل ولایت آن اولیاء الله، هیچ عملی پذیرفته‌ی پیشگاه خداوندی نخواهد بود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ بِوَلَايَتِي وَوَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِي^۳.

۱- وسائل الشّيعه، جلد ۴، ابواب الدّعاء، باب ۳۶، حدیث ۱۴.

۲- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۵؛ یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و [در سلوک] به سوی او [و برای نزدیک شدن به او] وسیله بجویید.

۳- بحار الانوار، جلد ۲۷، صفحه‌ی ۱۷۲، حدیث ۱۵ (نقل از امالی ابن الشّیخ).

رسول خدا ﷺ فرموده است: سوگند به کسی که جان محمّد در دست اوست، در روز قیامت اگر بنده‌ای عمل هفتاد پیغمبر را بیاورد، خدا آن را از وی نمی‌پذیرد، مگر این که با توسّل ولایت من و ولایت اهل بیت من خدا را ملاقات کند.

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ مُحَمَّدًا ﷺ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: يَا عِبَادِي أَوْلَيْسَ مَنْ لَهُ إِلَيْكُمْ حَوَائِجُ كِبَارٌ وَ لَا تَجُودُونَ بِهَا إِلَّا أَنْ يَحْتَمِلَ عَلَيْكُمْ بِأَحَبِّ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ تَقْضُونَهَا كَرَامَةً لَشَفِيعِهِمْ. أَلَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَيَّ وَ أَفْضَلُهُمْ لَدَيَّ مُحَمَّدٌ ﷺ وَ أَخُوهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ بَعْدَهُمُ الْاِئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الَّذِينَ هُمْ الْوَسَائِلُ إِلَيَّ. أَلَا فَلْيَدْعُنِي مَنْ أَهَمَّتْهُ حَاجَةٌ يُرِيدُ نَفْعَهَا أَوْ دَهَتْهُ دَاهِيَةٌ يُرِيدُ كَفَّ ضَرَرِهَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَقْضِيهَا لَهُ أَحْسَنَ مَا يَقْضِيهَا مَنْ تَسْتَشْفِعُونَ إِلَيْهِ بِأَعَزِّ الْخَلْقِ عَلَيْهِ...^۱

از سلمان فارسی [که درود خدا بر او باد] نقل شده است که گفت: از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می‌فرمود: خداوند عز و جل می‌فرماید: ای بندگان من، آیا چنین نیست که گاه کسی از شما حاجات بزرگی می‌خواهد و شما حوائج او را بر نمی‌آورید، مگر این که کسی را شفیع قرار دهد که محبوب‌ترین مردم در نزد شماست، آن‌گاه حوائج او را به احترام آن شفیع برمی‌آورید؟ پس، آگاه باشید و بدانید که گرامی‌ترین خلق و برترین آنان نزد من، محمّد ﷺ و برادرش علی ﷺ و امامان پس از وی علیهم‌السلام هستند؛ همانان که وسیله‌ی تقرّب [مردم] به سوی من هستند.

۱- مجموعه‌ی وزام، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۰۰؛ بحار الانوار، جلد ۹۴، صفحه‌ی ۲۲ (نقل از غده‌الداعی).

هر کس حاجتی دارد و نفعی را می‌طلبد یا دچار حادثه‌ای زیان‌بار گشته و رفع آن را خواهان است، باید مرابه محمد و آل طاهرینش بخواند تا به نیکوترین وجه، حاجتش را بر آورم.^۱

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقُومَ إِلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقُلْ: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوَجِّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ اِلَيْهِ وَ اَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِيْ؛ فَاجْعَلْنِيْ بِهِمْ وَجِيْهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اَرْحَمْنِيْ بِهِمْ وَ لَا تُعَذِّبْنِيْ بِهِمْ وَ اِهْدِنِيْ بِهِمْ وَ لَا تُضِلَّنِيْ بِهِمْ وَ اَرْزُقْنِيْ بِهِمْ وَ لَا تَحْرِمْنِيْ بِهِمْ وَ اَقْضِ لِي حَوَائِجِيْ لِلدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ.^۲

امام صادق عليه السلام فرموده است: هرگاه خواستی به نماز شب بایستی، بگو: بار خدا یا، من به وساطت پیامبرت که پیامبر رحمت است، و به وساطت آل وی، رو به تومی آورم و آنان را پیشاپیش حوائج مقدم می‌دارم. پس به حرمت آنان به من رحم کن و عذابم مفرما. به سبب آنان هدایتم فرما و گمراهم مساز؛ به برکت آنان رزقم ده و محرومم مگردان و نیازهای دنیا و آخرتم را بر آور که تو بر هر کار توانا و بر هر همه چیز دانایی.

اهمیت نافله‌ی صبح

امام رضا عليه السلام در تفسیر آیه‌ی:

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ اِدْبَارَ النُّجُوْمِ.^۳

۱- حدیث دنباله دارد و ما فقط بخشی از آن را که مورد نیاز بود آوردیم.

۲- من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، صفحه ۴۸۳، باب القول عند القيام الی صلوٰة اللیل، حدیث ۱۳۹۸.

۳- سوره‌ی طور، آیه‌ی ۴۹؛ یعنی: خدا را تسبیح کن در پاره‌ای از شب و در وقت برگشتن ستارگان.

فرمود:

إِدْبَارَ النُّجُومِ رَكَعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الصُّبْحِ.^۱

منظور از ادبار النجوم [نماز در وقت برگشتن ستارگان] خواندن دو رکعت نماز پیش از

صبح است.

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ... وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ

قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا^۲ قَالَ: هُوَ الرَّكَعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ.^۳

از امام صادق عليه السلام معنای این آیه سؤال شد؛ فرمود: منظور دو رکعت نماز قبل از

نماز صبح است.

نیز از آن حضرت رسیده است که:

أَمَا يَرْضَى أَحَدُكُمْ أَنْ يَقُومَ قُبَيْلَ الصُّبْحِ وَيُوتِرَ وَيُصَلِّيَ رَكَعَتَيْ الْفَجْرِ وَ

تُكْتَبَ لَهُ صَلَاةُ اللَّيْلِ.^۴

آیا یکی از شما نمی پسندد که اندکی پیش از صبح برخیزد [در حالی که وقت تنگ است و

گنجایش خواندن بیش از یک یا سه رکعت نماز را ندارد] نماز وتر را به جا آورد و آن گاه، دو

رکعت فجر را بخواند تا [ثواب] نماز شب برایش نوشته شود؟

این هم از لطاف الهی برای کسی است که موفق به درک فیض نماز شب نشده

۱- تفسیر علی بن ابراهیم قمی، جلد ۲، صفحه ۳۳۳.

۲- سوره اسراء، آیه ۷۸؛ یعنی: و قرآن فجر را نیز بر پا دار، چرا که قرآن فجر مشهود [فرشتگان شب و روز] است.

۳- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۳۱۲، ذیل حدیث ۷ (نقل از دعائم الاسلام).

۴- تهذیب، جلد ۲، صفحه ۳۴۱، حدیث ۱۴۱۱.

است، خدای متعال، به فضل و کرم خود، نافله‌ی صبح را به انضمام نماز وتر، سبب جبران آن فیض از دست رفته قرار داده است.

لذا، به شکرانه‌ی این لطف والا، بر آدمی لازم است که همواره نافله‌ی صبح را، که پس از طلوع فجر^۱ و پیش از فریضه‌ی صبح انجام می‌شود، به جا آورد و خود را از نسیم رحمت حق محروم نسازد.

اینک، هشدار و توجه!

حال، ای عزیز، اندکی به خود بیا و نیک بیندیش که آیا آن همه فضیلت و ارزش‌های والای انسانی، و درک فیض حضور در محضر حضرت ربّ العالمین و افتخار خلوت و انس با جمیل مطلق، در ساعتی از ساعات آخر شب، و سپس رسیدن به سعادت لقاء و رضوان الهی در سرای جاودانی آخرت که از خلال آیات کریمه‌ی قرآن و از لسان صدق رسول خدا ﷺ و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام به عنوان اجر و پاداش مسلم در برابر گزاردن چند رکعت ساده و کوتاه نماز شب ارائه شد و نیز، این همه ترغیبات و تأکیدات حاملان وحی، چنان نیست که ما را تکان داده و خواب از چشم و دلمان بر باید و با شور و نشاط تمام به محفل انس و خلوت با محبوب و معبود بکشاند و بی‌تابانه به راز و نیاز و گفت و شنود با وی بپردازد که:

۱- کسی که نماز شب را خوانده است می‌تواند نافله‌ی صبح را پیش از طلوع فجر، متصل به نماز شب، به جا آورد (العروة الوثقی، کتاب الصلوة، فصل ۳، مسأله‌ی ۶).

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ﴿١﴾ قُمْ اللَّيْلَ...^۱

چو شب گردد به ساز عشق بر خیز
رها کن دل به زلف دلبر آویز
به همراه شبانگهان افلاک
به راه عشق تاز از بستر خاک

آری، به جان دوست سوگند، این همه سفارش‌های قرآنی و حدیث، انسان مؤمن را از جا می‌کند و آسایش و آرامش شبانه را از وی سلب می‌کند و او را با جدّ و اهتمام شدید، به کسب شرایط تکمیل حال نشاط در عبادت و برطرف ساختن هر گونه مانع از قیام در شب وامی‌دارد تا هر آن چه را که احتمال می‌دهد در طّی مسیر به سوی این مقصد عظیم، موجب رکود و سستی و بی‌حالی و خار راه اوست، از سر راه خویش بردارد و به سرعت خود را به گروه پیشتاز مقرب برساند.

از جمله‌ی موانع بزرگ در این راه، ارتکاب گناه است و آلودگی جان به قذارت معصیت، که آدمی را از لیاقت حضور در محفل انس پاکان می‌اندازد. زیرا، در این محفل بر سینه‌ی نامحرم دست رد می‌زنند تا هر مدّعی را نرسد که هوس آمدن به تماشاگه راز در سر بپوراند. اینک، به این هشدارهای حاملان وحی خدا گوش فرا دهید تا هشیار شوید.

ارتکاب گناه از موانع شب خیزی است

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكِذْبَةَ فَيَحْرُمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ

فَإِذَا حُرِمَ صَلَاةَ اللَّيْلِ حُرِمَ بِهَا الرَّزْقُ.^۲

۱-سوردهی مزمل، آیات ۱ و ۲.

۲-وسائل الشیعه، جلد ۵، کتاب الصلوة، ابواب بقیه الصلوات المندوبه، باب ۴۰، حدیث ۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر آینه، آدمی دروغی می گوید و در اثر همان دروغ گویی، از

نماز شب محروم می شود و بر اثر محرومیت از نماز شب، از رزق بی بهره می گردد.

جاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: إِنِّي قَدْ حُرِمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ! فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ.^۱

مردی به حضور امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آمد و عرض کرد: من از نماز شب

محروم شده ام. فرمود: تو مردی هستی که گناهانت تو را به بند کشیده اند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ فَيُحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هر آینه، آدمی مرتکب گناهی می شود و در اثر آن، از نماز شب

محروم می گردد و به راستی که تأثیر عمل بد در [دگرگون نمودن] صاحبش، سریع تر از تأثیر کار در بریدن گوشت است.

عَنْ إِبْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام يَقُولُ: مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ ثُمَّ تَمَثَّلَ.

ابن ابی عمیر از کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده نقل کرده است که آن حضرت علیه السلام

می فرمود: کسی که معصیت می کند، خدا را دوست ندارد.

آنگاه آن جناب به دو بیت تمثّل جست که مضمونشان این است:

۱- وسائل الشیعه، جلد ۵، کتاب الصلوة، ابواب بقیة الصلوات المندوبة، باب ۴۰، حدیث ۵.

۲- همان، جلد ۱۱، کتاب الجهاد، ابواب جهاد النفس و ما یناسبه، باب ۴۰، حدیث ۱۲.

تَغْصِي الْإِلَهِ وَ أَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ هَذَا مُحَالٌ فِي الْفِعَالِ بَدِيعٌ
 لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَا طَعْنَهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ^۱

خدا را معصیت می کنی و در عین حال، ادعای محبت او داری! این ناشدنی و روشی است
 نوظهور و عجیب! اگر محبت تو محبتی بود صادق و راستین، هر آینه از او اطاعت
 می کردی؛ زیرا هر دوستی مطیع کسی است که دوستش می دارد.

موانع تا نگردانی ز خود دور	درون خانه‌ی دل نایدت نور
موانع چون در این عالم چهار است	طهارت کردن از وی هم چهار است
نخستین، پاکی از احوادث و انجاس	دوم، از معصیت و ز شرّ و سواس
سوم، پاکی ز اخلاق ذمیمه است	که با وی آدمی هم چون بهیمه است
چهارم، پاکی سرّ است از غیر	که اینجا منتهی می گرددت سیر
هر آن کو کرد حاصل این طهارات	شود بی شک سزاوار مناجات
چو ذات گشت پاک از این همه شین	نمازت گردد آن گه قُرَّةُ الْعَیْنِ

پُرْخُورِی نِیز از موانع شب خیزی است و موجب مطرودیت از درگاه خدا

رسول خدا ﷺ می فرماید:

أَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَوْمٍ أَكُولٍ شَرُوبٍ^۲.

مبغوض ترین شما در نزد خداوند تعالی، آدم پر خوابِ پُرْخُورِی پُرنوش است.

۱-وسائل الشیعه، جلد ۱۱، باب ۴۱، حدیث ۹.

۲-جامع التعدادات، جلد ۲، صفحه ۵؛ و المحجّة البیضاء، جلد ۵، صفحه ۱۴۶.

نیز از آن حضرت نقل شده است:

لَا يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ قَلْبٌ مِّنْ مِّلَاءٍ بَطْنُهُ.^۱

دل آن کس که شکمش [از غذا] پر شده است راه به ملکوت آسمان ها نمی یابد.

باز آن حضرت فرموده است:

لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَإِنَّ الْقَلْبَ كَالزَّرْعِ يَمُوتُ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ.^۲

دل ها را با زیاد خوردن و نوشیدن نمیرانید؛ زیرا، دل مانند زراعت است؛ چون آب زیاد به

آن داده شود، می میرد.

هم چنین، آن حضرت فرمود:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَطْنٍ مَمْلُوءٍ.^۳

نزد خدای تبارک و تعالی چیزی مبغوض تر از شکم پر نیست.

امام صادق علیه السلام هم می فرماید:

لَيْسَ شَيْءٌ أَضَرَّ لِقَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ وَهِيَ مُورِثَةُ شَيْئَيْنِ قَسْوَةِ الْقَلْبِ وَهَيْجَانِ الشَّهْوَةِ.^۴

برای قلب انسان مؤمن چیزی زیان آور تر از پر خوری نیست، که سبب پیدایش دو چیز

۱- المحجة البيضاء، جلد ۵، صفحه ۱۴۶.

۲- همان، صفحه ۱۴۷.

۳- کافی، جلد ۶، صفحه ۲۷۰، حدیث ۱۱.

۴- المحجة البيضاء، جلد ۵، صفحه ۱۵۱ (نقل از مصباح الشریعة، باب ۴۱).

می شود: قساوت قلب و هیجان شهوت.

و لقمان حکیم هم به فرزندش می گفت:

يَا بُنَيَّ إِذَا امْتَلَأَتِ الْمِعْدَةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ وَ حَرِسَتِ الْحِكْمَةُ وَ قَعَدَتِ
الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ^۱

فرزند عزیزم، وقتی معده پر شد، فکر می خوابد و [زبان] حکمت لال می شود و اعضای

بدن از عبادت باز می مانند.

در کتاب المحجّة البيضاء آمده است:

هفتاد تن از صاحب نظران صدیق - آنان که گفتارشان بر تحقیق و صدق و

امانت و تقوی استوار است - به اتفاق آراء این چنین نظر داده اند که: پر خوری سبب

پر خوابی می شود و پر خوابی نیز سرمایه ی عمر را، که نفیس ترین گوهر و تنها وسیله ی

تجارت اخروی انسان است، به تباهی می کشد و نعمت شب خیزی و تهجد را، با تمام

فضیلت و ارزش والایش، از دست انسان می گیرد و حتی اگر آدم پر خواب، با تکلف

و دشواری، به نماز برخیزد، در حال کسالت خواب، حلاوت عبادت را احساس

نمی کند و این خسروانی است که از کثرت اکل و پر خوری، عائد انسان می گردد.^۲ لذا،

از بزرگی نقل شده است که بر سر سفره به یارانش می فرمود:

مَعَاشِرَ الْمُرِيدِينَ! لَا تَأْكُلُوا كَثِيرًا فَتَشْرَبُوا كَثِيرًا فَتَرْقُدُوا كَثِيرًا فَتَحْسُرُوا كَثِيرًا.^۳

۱- جامع السعادات، جلد ۲، صفحه ۵.

۲- المحجّة البيضاء، جلد ۵، صفحه ۱۵۸؛ الفائدة السادسة.

۳- همان.

ای گروه طالبان سعادت و کمال، غذا زیاد مخورید که پس از آن، آب زیاد می آشامید و

بر اثر آن، زیاد می خوابید و سرانجام به خسران و زیان فراوان دچار می شوید.

نالهای پرسوز و گداز امام سجاد علیه السلام در دل شب

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ إِذَا هَدَأَتْ
 الْعُيُونُ: إِلَهِي غَارَتْ نُجُومُ سَمَائِكَ وَ نَامَتْ عُيُونُ أُنَامِكَ وَ هَدَأَتْ أَصْوَاتُ
 عِبَادِكَ وَ أُنْعَامِكَ وَ غَلَقَتْ الْمُلُوكُ عَلَيْهَا أَبْوَابَهَا وَ طَافَ عَلَيْهَا حُرَاسُهَا وَ
 اخْتَجَبُوا عَمَّنْ يَسْأَلُهُمْ حَاجَةً أَوْ يَنْتَجِعُ مِنْهُمْ فَائِدَةً وَ أَنْتَ إِلَهِي حَيُّ قَيُّوْمٌ لَا
 تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ وَ لَا يَشْغَلُكَ شَيْءٌ عَن شَيْءٍ. أَبْوَابُ سَمَائِكَ لِمَنْ دَعَاكَ
 مُفْتَتِحَاتٌ وَ خَزَائِنُكَ غَيْرُ مَغْلَقَاتٍ وَ أَبْوَابُ رَحْمَتِكَ غَيْرُ مَحْجُوبَاتٍ وَ فَوَائِدُكَ
 لِمَنْ سَأَلَكَهَا غَيْرُ مَحْظُورَاتٍ بَلْ هِيَ مَبْدُولَاتٌ. فَأَنْتَ إِلَهِي الْكَرِيمُ الَّذِي لَا تَرُدُّ
 سَائِلًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ سَأَلَكَ وَ لَا تَحْتَجِبُ عَن أَحَدٍ مِنْهُمْ أَرَادَكَ. لَا وَ عِزَّتِكَ وَ
 جَلَالِكَ لَا تَحْتَزِلُ حَوَائِجُهُمْ دُونَكَ وَ لَا يَقْضِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ.

إِلَهِي وَ قَدْ تَرَانِي وَ وُقُوفِي وَ ذُلَّ مَقَامِي وَ تَعَلَّمَ سَرِيرَتِي وَ تَطَّلَعَ عَلَيَّ مَا
 فِي قَلْبِي وَ مَا يَصْلُحُ بِهِ أَمْرُ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ.

إِلَهِي إِنْ ذَكَرْتَ الْمَوْتَ وَ هَوَلَ الْمُطَّلَعِ وَ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ نَغَضَنِي
 مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ أَغْصَنِي بِرِيقِي وَ أَقْلَقَنِي عَن وِسَادِي وَ مَنَعَنِي رُقَادِي وَ
 كَيْفَ يَنَامُ مَنْ يَخَافُ بَيَاتَ مَلِكِ الْمَوْتِ فِي طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ طَوَارِقِ النَّهَارِ؟ بَلْ

كَيْفَ يَنَامُ الْعَاقِلُ وَ مَلَكَ الْمَوْتِ لَا يَنَامُ لَا بِاللَّيْلِ وَلَا بِالنَّهَارِ وَ يَطْلُبُ قَبْضَ رُوحِهِ بِالْبَيَاتِ أَوْفَى آنَاءِ السَّاعَاتِ .
 ثُمَّ يَسْجُدُ وَ يُلْصِقُ حَدَّهُ بِالتُّرَابِ وَ هُوَ يَقُولُ : أَسْأَلُكَ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عَنِّي حِينَ الْفِتَاكِ .^۱

خلاصه‌ی مضمون این جملات نورانی چنین است:

ای معبود من، ستارگان آسمان در حال غروبند و چشم‌های بندگان در خواب و صداها خاموش. سلاطین و پادشاهان درهای قصرهای خود را بسته و روی از حاجتمندان و دردمندان پوشیده‌اند، در حالی که حاجبان و دربانان گرداگرد کاخ‌های آنان می‌چرخند. ولی تو، ای خدای من، حی و قیومی، که نه خواب بر تو عارض می‌شود و نه کاری تو را از کار دگر باز می‌دارد. درهای آسمان به روی هر دردمندی باز است و خزاین رحمت برای هر حاجتمندی مفتوح. آستان اقدس نه به قفلی مسدود است و نه به حاجب و دربانی ممنوع. قسم به عزت و جلال تو ای خدا، نه بندگان توانایی قطع نیاز از تو دارند و نه جز تو کسی توانایی رفع نیاز از بندگان دارد. ای خدای من، مرا می‌بینی که با چه ذلت و مسکنت در حضورت ایستاده‌ام. از آن چه در قلبم می‌گذرد تو آگاهی و صلاح کار دنیا و آخرتم را خوب می‌دانی. خدای من، وقتی به یاد مرگ می‌افتم و به آن ساعتی می‌اندیشم که باید در پیشگاه اقدس در موقف حساب بایستم، آب و غذا به ذائقه‌ام ناگوار می‌آید و آب به دهانم می‌خشکد و در گلویم می‌ماند، خواب از سرم می‌پرد و با اضطراب

۱- بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۲۳۶، حدیث ۴۷ (نقل از مصباح المتجهّد: بحثة الامان الواقية: البلد الامين: مكارم الاخلاق و دعائم الاسلام).

از بستر خواب بر می خیزم. آری، چگونه بخوابد کسی که در هر لحظه از لحظه های روز و شب، با احتمال ورود ملک الموت و قبض روح وی، در حال ترس و دل نگرانی است؟

سپس، آن امام عزیز سر به سجده می نهاد و صورت شریفش را به خاک زمین می چسبانید

و می گفت:

خدایا، از تو می خواهم که به هنگام مرگ، آسایش و انبساط و فرح به من ببخشی و به

هنگام دیدارت از [لغزش های] من درگذری.

شنیدستم شبی شب زنده داری به گردون داشت چشم اشک باری

همی دید آن نظر باز شبانه کواکب را به چشم عاشقانه

به چشمان، در تماشای سماوات به جان، با روی جانان در مناجات

نظر بر انجم رخسند می دوخت به حیرت هم چو شمع بزم می سوخت

گهی با فکر و گه با ذکر سُبُوح همی روشن نمود آینه ی روح

چو مرغ حق به دل باناله ی زار به ذکر حق سحر کردی شب تار

همی گفتا الهی یا الهی به سوی خود مرا بنمای راهی

اللَّهُم اجعلنا ممن دأبهم الارتياح اليك و الحنين و دهرهم الزّفرة و

الانين؛ جباهم ساجدة لعظمتك و عيونهم ساهرة في خدمتك و دموعهم سائلة

من خشيتك و قلوبهم متعلقة بمحبتك و الحقنا بعبادك الَّذِينَ هم بالبدار اليك

يسارعون و بابك على الدوام يطرقون و ايتاك في الليل و النهار يعبدون و هم

من هیبتک مشفقون. فیا من هو علی المقبلین علیه مقبل و بالعطف علیهم عائد
مفضل و بالغافلین عن ذکره رحیم رؤوف و بجزبهم الی بسابه ودود
عطوف. اسئلك أن تجعلنی من اوفرهم منک حظاً و اعلاهم عندک منزلاً و
اجزلهم من وذك قسماً و افضلهم فی معرفتک نصیباً. فقد انقطعت الیک همّتی
و انصرفت نحوک رغبتی فانت لا غیرک مرادی و لک لا سواک سَهْرَی و
سُهادی و لقاءک قرّة عینی.^۱

پروردگارا، به حرمت پاکان و مقربان در گاهت، به ویژه افضل و اشرف آنان، محمّد و
آل اطهارش [صلوات الله علیه و علیهم اجمعین] ظلمت جهالت و قساوت و غفلت را از فضای
قلب‌های ما برطرف فرما؛ نور معرفت و محبت و ذکر را برای همیشه در دل‌های ما ثابت و
مستقر گردان؛ شرف بیداری در ساعات آخر شب و توفیق تهجد و استغفار در سحرگاهان را، تا
آخرین شب عمر، از ما سلب مفرما و لذت انس و مناجات با خودت را به ذائقه‌ی جان ما بچشان.
وَ اجعل اللهم خاتمة امرنا خيراً وَ الحمد لله اولاً وَ آخراً وَ صلّى الله على
سیدنا محمّد و آله خیر الوری و السلام علی من اتبع الهدی.

روز جمعه ۱۹ ذی‌عده ۱۴۰۴ هجری قمری

۲۶ مرداد ۱۳۶۳ هجری شمسی

سیده محمّد ضیاء آبادی

۱- بخش‌هایی از مناجاة‌المحبتین و مناجاة‌العربیدین از مناجات‌خمس عشره مفاتیح‌الجنان.

لیست کتب انتشارات بنیاد خیریه الزهراء

تلفن مرکز پخش: ۵۵۳۸۰۵۳۴ - ۰۲۱ و پایگاه: WWW.SAFIREHEDAYAT.COM

ردیف	عنوان	قطع	قیمت (ریال)
۱	حجّ، برنامه‌ی تکامل	وزیری	۲۲۰۰۰
۲	قرآن و قیامت	وزیری	۵۰۰۰۰
۳	تفسیر سوره‌ی رعد	وزیری	۲۶۰۰۰
۴	تفسیر سوره‌ی یاسین	وزیری	۲۵۰۰۰
۵	تفسیر سوره‌ی یوسف	وزیری	۱۹۵۰۰
۶	تفسیر سوره‌ی انفال	وزیری	۳۰۰۰۰
۷	تفسیر سوره‌ی توبه (جلد اوّل)	وزیری	۳۳۰۰۰
۸	تفسیر سوره‌ی توبه (جلد دوّم)	وزیری	۲۸۰۰۰
۹	تفسیر سوره‌ی هود	وزیری	۲۸۰۰۰
۱۰	تفسیر سوره‌ی یونس	وزیری	۵۸۰۰۰
۱۱	تفسیر سوره‌ی نحل	وزیری	۳۰۰۰۰
۱۲	حبل متین (جلد اوّل)	وزیری	۳۰۰۰۰
۱۳	حبل متین (جلد دوّم)	وزیری	۲۰۰۰۰
۱۴	حبل متین (جلد سوّم)	وزیری	۲۵۰۰۰
۱۵	بنای بندگی، صفای زندگی	وزیری	۳۰۰۰۰
۱۶	موعظه (راه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان)	رقعی	۲۲۰۰۰
۱۷	توسّل	رقعی	۱۲۰۰۰
۱۸	از حسین گفتن تا حسینی شدن	رقعی	۴۰۰۰
۱۹	شب مردان خدا	رقعی	۵۵۰۰
۲۰	بیان قرآن	رقعی	۳۰۰۰
۲۱	نیاید که گلها پرپر شوند	رقعی	۷۵۰۰
۲۲	عطر گل محمدی (۱)	رقعی	۶۰۰۰
۲۳	عطر گل محمدی (۲)	رقعی	۴۵۰۰
۲۴	عطر گل محمدی (۳)	رقعی	۵۰۰۰
۲۵	عطر گل محمدی (۴)	رقعی	۸۵۰۰
۲۶	عطر گل محمدی (۵)	رقعی	۹۵۰۰
۲۷	عطر گل محمدی (۶)	رقعی	۸۵۰۰
۲۸	عطر گل محمدی (۷)	رقعی	۱۱۰۰۰
۲۹	عطر گل محمدی (۸)	رقعی	۹۵۰۰
۳۰	عطر گل محمدی (۹)	رقعی	۱۱۰۰۰
۳۱	حسین علیّه چراغ حیات کشتی نجات	رقعی	۸۰۰۰
۳۲	خمس مال، زندگی ایده آل	رقعی	۶۶۰۰
۳۳	مباحثی پیرامون امامت	رقعی	۴۵۰۰

۸۸۰۰	رقعی	خاتم انبیاء ﷺ رحمت بی انتها	۳۴
۶۵۰۰	رقعی	زهرای بتول، راز پنهان رسول	۳۵
۶۰۰۰	رقعی	غدیر، سند ولایت علم امیر <small>علیه السلام</small>	۳۶
۶۰۰۰	رقعی	مهدی <small>علیه السلام</small> و حکومت واحد جهانی	۳۷
۶۰۰۰	رقعی	قساوت، بیماری مهلک بشر	۳۸
۵۰۰۰	رقعی	رمضان، فصل شکوفایی انسان در پرتو قرآن (۱)	۳۹
۴۰۰۰	پالتویی	رمضان، فصل شکوفایی انسان در پرتو قرآن (۲)	۴۰
۸۰۰۰	رقعی	در جستجوی علم دین	۴۱
۴۰۰۰	رقعی	شبهه عرفان، شریک شیطان	۴۲
۱۷۰۰۰	رقعی	توبه (شرح دعای سی و یکم صحیفه سجاده)	۴۳
۲۵۰۰	پالتویی	کوثر، معجزه پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۴۴
۲۰۰۰	پالتویی	صلوات	۴۵
۶۰۰۰	پالتویی	عطر گل یاس (جلد اول)	۴۶
۵۵۰۰	پالتویی	عطر گل یاس (جلد دوم)	۴۷
۴۵۰۰	پالتویی	عطر گل یاس (جلد سوم)	۴۸
۳۸۰۰۰	وزیری	تفسیر سوره ابراهیم	۴۹
۳۳۰۰۰	وزیری	جامعه قرآنی، رسالت‌ها و مسئولیت‌ها	۵۰
۷۰۰۰	رقعی	البحث عن علم الدین (ترجمه عربی کتاب در جستجوی علم دین)	۵۱
۵۰۰۰	پالتویی	عطر معرفت	۵۲
۶۵۰۰	پالتویی	حضرت رضا <small>علیه السلام</small> ، مظهر رأفت خدا	۵۳
۴۵۰۰	پالتویی	کیمیای صبر و ثبات	۵۴
۴۴۰۰	پالتویی	شیمه‌ی علوی، مذهب جعفری	۵۵
۳۰۰۰	-	لوح فشرده کتاب قساوت (کتاب صوتی)	۵۶
۷۳۰۰	پالتویی	شب‌های پیشاور (جلد اول)	۵۷
۷۵۰۰	پالتویی	شب‌های پیشاور (جلد دوم)	۵۸
۴۵۰۰	وزیری	اصول اعتقادی، نیاز عقلانی	۵۹
۴۰۰۰	وزیری	احکام دینی، نیاز ایمانی	۶۰
۵۰۰۰	وزیری	اخلاق زندگی، نیاز ایمانی	۶۱
۲۵۰۰	رقعی	زنگ بیداری (آداب و احکام وصیت)	۶۲
۲۰۰۰	رقعی	وصیت نامه	۶۳
۴۴۰۰	پالتویی	مؤتمر علمای بغداد	۶۴
۴۵۰۰	رقعی	قرض الحسنه، ماهیت، ضرورت، آثار	۶۵
۵۰۰۰	پالتویی	طوبی (بندگی و عزت از نگاه قرآن و عترت)	۶۶
۴۰۰۰	پالتویی	بنده باش، تابنده باش	۶۷